

چهره‌ها

Chehreh Nama

پاییز 3754 زرتشتی 1395 خورشیدی

نشریه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا
سال سی و چهارم شماره 179

English



ای خداوند خرد (آموزگاران کج اندیش و گمراه کننده) بدکاران را به واسطه شکوه و جلال مادی بزرگ می شمارند. زنان و مردان شریف را از رسیدن به آرزوی خود و برخورداری از بخشایش ایزدی باز می دارند. پارسایان و راستی گرایان را پریشان و منحرف می سازند و زندگانی را فاسد و تباه می کنند.

یسنا هات ۳۲ بند ۱۲

هوا خواهان دروغ کوشش دارند تا پارسایان و راستان را از پیشرفت به سوی آرمان های پاک خویش، که همانا راستی و درستی و آبادانی شهر و کشور است، باز دارند، آنها با کردار دشمن گونه ی خویش به زشتی و تباه کاری شناخته شده اند. ای مزدا، کسی که با تمام نیرو و از روی جان بر هوا خواهان دروغ پیکار کند، او جهان آفرینش را به راه خرد و دانش راستین رهبری خواهد کرد.

یسنا هات ۴۶ بند ۴

با سپاس فراوان از هموندان مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برای شرکت در رای گیری دوره ی بیستم گروه مدیران و با سپاسگزاری از گروه مدیران دوره ی نوزدهم برای خدمات خستگی ناپذیر و کارهای ارزنده شان در راه سازندگی و پیشبرد برنامه های این ارگان، امادگی خود را در ادامه ی خدمتگذاری به هموندان و همکیشان نوید میدهیم. ما بر آن هستیم که این دوره را با ادامه ی دستاوردهای سودمند دوره های پیشین و کوشش در نو اوریهای هرچه بیشتر آغاز کنیم. ما ارمان همبستگی را در دستور کارمان جای داده ایم تا از راه همیاری، همکاری، همزوری، و سود بردن از گنجینه ی گرانبهای آموزه های دین بهی بتوانیم راه را برای رسیدن به جامعه ای نیرومندتر، پویا، و تأثیرگذار در کشور امریکا و در گستره ی جهانی هموارتر سازیم. ناگفته نیست که برای دستیابی به این اهداف دست به سوی شما باز میکنیم و خواستار دریافت پیشنهادهای و انتقادات سازنده ی شما میباشیم. بیاد داشته باشیم که خورده گیری اسان است اما دوستانه راه حل ارائه کردن مؤثرتر. برای تماس با گروه مدیران میتوانید به ایمیل bod@czc.org پیام بفرستید و ما را یاری فرمایید. به آگاهی میرسانیم که چندی از پروژه های در اولویت ساختمانی در شهر وستمنستر تازه سازی درون سالن اصلی و نصب پانلهای خورشیدی (solar) میباشد و نیاز به همکاری و دهش خواهد داشت. در حال حاضر دهشمندانی پذیرش قسمتی از هزینه ی پروژه solar را نوید داده اند و از این روی ما به دهشهای بیشتر نیازمندیم. یکی از هدفهای استفاده از انرژی خورشیدی کاستن چشمگیر هزینه ی قبض برق مرکز و استفاده ی مازاد آن برای برنامه های مهم دیگر میباشد. ما به همه ی دوستانی که همیشه بی درنگ برای سازندگی جامعه زرتشتی آماده و دست در دست این ارگان بوده و هستند و خواهند بود درود میفرستیم.

همزور بيم همزور هما اشو بيم

گروه مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

بر گیری از نوشته های چهره نما با چاپ نام نویسنده و نشانی تارنما آزاد می باشد.

چهره نما در گزینش و ویرایش نوشته های رسیده آزاد است و نوشتارهای رسیده باز گردانده نمی شود.

دیدگاه های بازتاب شده در نوشته ها همیشه گویای دیدگاه های انجمن دبیران چهره نما نمی باشد.

چهره نمای مرکز زرتشتیان کالیفرنیا، نشریه ایست دینی، اجتماعی، تاریخی، ادبی و فرهنگی که به هیچ دسته و گروه سیاسی بستگی ندارد.

Trust of Morvarid Guiv
1037 S. Bedford St. #3
Los Angeles, CA 90035

زیر نگر گروه دبیران
گرافیک، رایانه و صفحه آرا: کوبین یکتاهی
تایپ: پروین رستمیان
اینترنت: رامین شهریاری

زرتشت در یکی از سرودهایش (یسنا هات ۳۳ بند ۱۳ ترجمه دینشاه ایرانی) از خرد بزرگ می خواهد که "دید و بینش فکرش را باز کند" تا همه جوانب یک موضوع را ببیند. این باز بودن بینش و اندیشه برای هر گونه بررسی و نتیجه گیری چه در موارد شخصی و چه در زمینه های اجتماعی و سیاسی سبب ساز تصمیم گیری های تاثیر گذارتر خواهد شد. برای این که دید و بینش و فکر انسان باز شود و بتواند تمام جوانب و اطراف (۳۶۰ درجه) هر موضوعی را درک کند هر فرد احتیاج دارد که خواهان باز شدن فکر و اندیشه اش باشد و برای ان فعالیت و تلاش کند و تا زمانی که هر موضوعی را از دید منافع شخصی و دوست داشتن و یا دوست نداشتن خود یا یک شخص و یا گروه دیگر بنگرد دید و فکر و اندیشه را محدود خواهد نمود و اگر هدفمان کمک برای حل بن پایه ای یک موضوع باشد، در این مورد انچنان مؤثر نخواهیم بود.

دکتر مهربرزین سروشیان

چشمه مهرگان چرا در وسیع ایرانیاغ شهر است؟

هزاران سال است که نوروز، مهرگان و سده در کنار یکدیگر همانند سه پایه ای استوار، پاسبان فرهنگ ایرانی بوده اند و برگزاری همین آیین های ساده ولی زیبا، همدلی ایرانیان را به همراه داشته است.

جشن هایی که افزون بر شادمانی به گونه ای آبادانی را نیز برای مردمان به ارمغان می آورد. در آغاز (مهر پشت) آمده که (مهر) از آفریده های اهورامزداست که برای نگاهبانی از پیمان مردم گماشته شده است و (مهر) از این رو فروغ و روشنایی است تا هیچ چیز از او پوشیده نماند و در سراسر جهان آنچه از راست و دروغ می گذرد و یا پیمانی شکسته می شود نزد داد آشکار باشد. در استوره های ایرانی جشن مهرگان از سوی دیگر ارزشمند است و آن پیروزی ایرانیان بر ضحاک تازی است. بزرگدر شاهنامه، ابوریحان بیرونی در آثارالباقیه، ابوسعید گرد یزدی در زین الاخبار و مسعودی در مروج الذهب ... به روشنی مناسبت این روز را پیروزی بر ضحاک می آورند. در مهرگان با فریاد دادخواهی آهنگران کاوه نام و با آفرشته شدن درفش کویانی و خیزش ایرانیان به رهبری فریدون هزار سال ستم و بیداد ضحاک به پایان می رسد. جالب آنجاست که پس از به زیر آوردن ضحاک، به جای کشتن وی او را به زنجیر می کشند، زیرا او هرگز نمی میرد و شاید هر آن خود کامگی باز گردد که این آماده بودن رمز پیروزی است.

در گذشته جشن مهرگان شش روز به درازا می انجامید. از روز شانزدهم مهر (روز مهر - مهرگان کوچک یا عامه) آغاز و به روز بیست و یکم (روز رام - مهرگان بزرگ یا خاصه) پایان می یافت.

چگونگی برگزاری کنونی جشن مهرگان

امروزه هم میهنانمان چند روز مانده به پاییز با خانه تکانی به پیشباز پاییز و مهرگان می روند، در روز مهر از ماه مهر جلوی در خانه ها را آب پاشی و جارو کرده و پس از آن با رفتن به نیایشگاه ها و گردهم آمدن با تهیه ی خوراک های سنتی از یکدیگر پذیرایی می کنند و با سخنرانی، خواندن سرود و شعر و دکلمه جشن مهرگان را با شادی برپا می کنند. در برخی روستاهای کشور، جشن مهرگان همراه با اجرای موسیقی سنتی همراه است بدین گونه که در روز پنجم پس از مهرگان، گروهی از اهالی روستا که بیشتر آنان را جوانان تشکیل می دهند در تالار مرکزی یا نیایشگاه مرکزی روستا یا سرچشمه و قنات، گرد هم می آیند و گروه ساز را تشکیل می دهند، هنرمندان روستایی نیز با سُرنا و دف گروه را همراهی می کنند، آن ها با هم حرکت کرده و از یک سوی روستا و از نخستین خانه مراسم بازدید از اهالی روستا را آغاز می کنند و با شادی وارد خانه گلاب در دست افراد ریخته و آینه را در برابر چهره ی آن ها نگه می دارد و سپس لُترک را که فراهم نموده میان همه ی گروه پخش می کند، این آجیل مخصوص، مخلوطی است از تخم کدو، آفتابگردان، و نخودچی کشمش که همراه با شربت و چای پذیرایی می شود.

آنگاه یکی از افراد گروه ساز که صدایی رسا دارد نام های کسانی را که پیش از این در این خانه سکونت داشته و در گذشته اند باز می گوید و برای همه ی آن ها آمرزش و شادی روان آرزو می کند.

پس از آن بشقابی از لُرک از این خانه دریافت می کنند و در دستمال بزرگی که بر کمر بسته اند می ریزند و از خانه بیرون می آیند و به خانه پسین می روند. چنان که در خانه ای بسته باشد برای لحظه ای بیرون خانه می ایستند و با بیان نام های درگذشتگان آن خانه، بر روان و فروهر آن ها درود می فرستند. ها می شوند؛ کدبانوی هر خانه مانند همه ی جشن های ایرانی نخست آینه و گلاب می آورد و اندکی

برخی از خانواده ها نیز پول و میوه برای استفاده در جشن مهرگان به گروه می دهند و برخی دیگر نیز نوعی نان مخصوص به نام لورگ درست می کنند و گوشت های بریان شده که به قطعات کوچکی تقسیم شده است همراه با سبزی داخل آن قرار داده به گروه می دهند. پس از پایان مراسم در نیایشگاه، موبد یا کدخدای، آجیل، میوه و نان و گوشت و سبزی گردآوری شده را در میان شرکت کنندگان پخش می کند.

سفره مهرگان

خوان یا سفره ی مهرگانی نیز همچون سفره ی هفت سین نوروز و دیگر سفره های جشن های ایرانی، هفت چینی از میوه ها و خوراکی هاست همراه با شاخه هایی از درختان سرو، مورد و گز و شربتی از عصاره ی هوم (هئومه) که با شیر رقیق شده و نان مخصوص لورگ که روی پارچه ای ارغوانی گرد یک آتش دان چیده می شوند.

هفت میوه همچون سیب، انار، ترنج، سنجد، پی (به)، انگور سفید، انجیر، کنار، زالزالک، ازگیل، خرما و ...

آجیل ویژه ای از هفت خشکبار از جمله مغز گردو، پسته، مغز فندق، بادام، تخمه، توت خشک، انجیر خشک، نخودچی و ...

آش هفت غله از گندم، جو، برنج، نخود، عدس، ماش و ارزن.

کاسه ای پر از آب و گلاب و سکه و برگ آویشن همراه با گل های بنفشه و نازبو (ریحان)، آیین، سرمه دان، شیرینی و بوی های خوش همچون اسفند و عود و کندر.

گفتگو با بانو شیدا فرهنگی (انوشیروانی)

خبرنگار چهره نما

بانو شیدا فرهنگی (انوشیروانی) یکی از پرکارترین هموندان مرکز زرتشتیان کالیفرنیا می باشد. ایشان دانش آموخته دانشگاه تهران در رشته شیمی هستند، سال ها پیش از انقلاب به همراه همسرشان دکتر اردشیر انوشیروانی برای ادامه تحصیل به امریکا آمدند و در رشته شیمی دارویی مدرک فوق لیسانس خود را از دانشگاه فیلادلفیا دریافت کردند و پس از پایان تحصیلات به ایران برگشتند و با آغاز انقلاب برای همیشه همراه با خانواده خود به امریکا باز گشتند. از همان نخستین روزهای ورود به کالیفرنیا با مهر و گرایشی که به ارج گذاشتن به دین و فرهنگ کهن ایران به ویژه دین زرتشتی داشتند پس از آگاهی از کوشش های روانشاد بانو فرنگیس کیخسرو شاهرخ در گرد هم آوردن گروه کوچکی از بانوان جنوب کالیفرنیا به آن گروه پیوسته و همکاری خود را با آنها آغاز نمودند.

من یک نیمروز مهمان این بانوی گرامی بودم که چکیده ای از این گفتگو را برای شما باز گو میکنم. ایشان خوش گفتار بوده و گنجینه ای از خاطرات هستند که امیدوارم روزی آنها را به نوشتار در آورند.

-از ایشان پرسیدم چه چیز مایه گرایش شما به مرکز زرتشتیان کالیفرنیا شد؟ گفتند چون از کودکی در خانواده ای بزرگ شده ام که پدر و مادر و بویژه پدر بزرگم (هرمز دیار همتی) به دین نیاکانمان مهر ویژه ای از خود نشان میدادند و همیشه در کارهای دینی و گسترش آموزشهای زرتشت پیشگام و کوشا بودند. پس از دیدن تنهایی و دور بودن همکیشان در سرزمین تازه من هم برای نگهداری و نگهداری فرهنگی و سنن، به ویژه نگهداری دین زرتشتی همکاری خودم را با گروه نامبرده آغاز نمودم.

این گروه با برگزاری کلاس های دینی و فارسی در خانه روانشاد بانو فرنگیس کیخسرو شاهرخ کار خود را آغاز کرد

و پس از کرایه جای کوچک و سپس خریداری اولین ساختمان مرکز زرتشتیان در شهر آناهایم که با دهش روانشاد ارباب رستم گیو خریداری و بنام «در مهر رستم گیو» نام گذاری شد و پس از آن با ساختن در مهر کنونی کارهای نیک خود را دنبال نمودند. همیشه برای من خاطره خوبی است که بعد از تعطیل شدن مدرسه پسرم آرش و کودکستان دخترم آرا آنها را با خود به مرکز می بردم که در آن جا کارهای مدرسه خود را انجام می دادند و سپس در کارهایی که توانایی ان را داشتند مانند تمبر زدن به پاکت های پستی برای هموندان به ما یاری میرساندند و سرگرم میشدند.

اولین سدره پوشی دسته جمعی نو نهالان در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا در ساختمان آناهایم برگزار گردید همچنین در این مرکز کلاس های فارسی و دینی، جشن های ماهیانه، گهنبار و سخنرانی های فرهنگی و دینی برگزار می گردید که خیلی مورد پذیرش زرتشتیان قرار گرفت و با آمدن خودشان ما را هر چه بیشتر دلگرم می کردند.

-از ایشان پرسیدم بر پایه همکاری های نزدیک شما با مرکز زرتشتیان و کار شما در دو دوره گروه زنده داران (هیات اماناء) مرکز زرتشتیان کالیفرنیا و شش دوره هموندی شما در گروه مدیران این مرکز به دید شما برای زنده نگه داشتن فرهنگ و آیین زرتشتی در خارج از ایران در چه بخشهایی می شود کار کرد که تا کنون انجام



نشده و یا کمتر تلاش شده است؟ گفتند آموزش به نو نهالان و نو جوانان زرتشتی بیشترین نیاز برای زرتشتیان خارج از ایران میباشد تا آنها هم خود آگاه گشته و هم بتوانند دانش خود را به دیگران انتقال بدهند.

در جریان گفتگو متوجه شدم که بانو شیدا فرهنگی نخستین آموزگار کلاس فارسی در مرکز زرتشتیان بودند که در آن کلاس ها خواندن و نوشتن را به بچه ها آموزش می دادند که پس از زمانی آموزگاران کار آموخته کار آموزش را دنبال نمودند.

همچنین بانو شیدا فرهنگی پیوند بین گروه جوانان و گروه مدیران مرکز بوده اند که در سال ۱۹۸۲ با فرا خواندن گروهی از جوانان پرکار و خوش نام زرتشتی که گروه جوانان زرتشتی را بنیان نمودند، همواره آنها با گفتگو با بانو فرهنگی برنامه ها و خواسته های خود را با گروه مدیران در میان می گذاشتند.

گروه جوانان برگزاری جشن های مرکز و گردهم آییهای تفریحی، ورزشی و سرگرمی و برنامه های شادی برانگیز را برای جوانان انجام میدادند.

-از ایشان پرسیدم مرکز زرتشتیان کالیفرنیا نسبت به زمانی که شما تازه واردان شده بودید و اکنون که زرتشتیان مهاجر افزون شده اند چه فرقی کرده و پیشنهاد شما برای همکیشان دور از میهن چه میباشد؟

با اینکه زرتشتیان مهاجر به جنوب کالیفرنیا در ۱۵ سال گذشته زیاد شده است ولی کسانی که برای هموندی نام نویسی میکنند به اندازه بایسته افزایش نیافته است و این سبب میشود که ما از نام و نشان آنها بی خبر بمانیم.

از دیدگاه من شایسته است که همکیشان مهاجر به این سرزمین تازه چنین کنند:

- خود را در انجمن زرتشتیان نزدیک سکونتشان نام نویسی کنند و هموندان انجمن شوند و اگر توانایی ان را دارند، به گروه مدیران وارد شده و با بهره برداری از تواناییها و پیشنهادهای تازه خود سبب پیشرفت انجمن خود شوند.

- خود آموزی هر چه بیشتر دین بهی و آموزش ان به دیگران.

- به دین و فرهنگ خود که امروزه جایگاه ویژه خود را در جهان رفته رفته بیشتر بدست می آورد ارزش بسیار بگذارند و در کلاسهای گاتها شناسی ، اوستا شناسی و آموزشهای دینی برای دریافت آموزشهای بی مانند و جاودانه اشو زرتشت شرکت نمایند تا هر چه بیشتر بیاموزند و به دیگران بیاموزند. آموزش دانسته های دینی به دیگران نباید تنها از راه گفتار باشد بلکه افزون بر ان ، رفتار هر کدام از ما نیز باید نماینده و نشانگر آموزشهای اشو زرتشت باشد.

- شرکت و همیاری در برنامه ها و گرد هم اییهای مرکزهای زرتشتیان برای تشویق برگزار کنندگان و آشنایی با دیگران هموندان.

- دادو دهشهای گوناگون (مالی و دانشی....) به انجمنهای زرتشتیان برای پا بر جا ماندن آنها، چون این انجمنها تنها



از دهش ها و در امد نام نویسی برای هموندی و یا کلاسهای و همچنین شرکت همگان در برنامه های گرد اوری سرمایه پا بر جا میمانند.

-در پایان از ایشان خواستم که بهترین رخدادهای مرکز زرتشتیان کالیفرنیا را در هنگام هموندی و شرکت خود در دو گروه مدیران باز گو کنند که چنین گفتند:

- خرید ساختمان در مهر رستم گیو در شهر اناهایم، خرید زمین و ساختن در مهر رستم گیو امروزی و همچنین خرید ساختمان برادرات فرهنگی (اردشیر و مهربان).
- برگزاری دو کنگره زرتشتیان امریکای شمالی .
- برگزاری کنگره جهانی جوانان زرتشتی.
- بنیاد کتابخانه ارباب کیخسرو شاهرخ در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از دهش روانشاد

بانو فرنگیس کیخسرو شاهرخ.

-بر پا کردن کلاس دینی و آموزش دین زرتشتی برای دوره دکترای دانشجویان دین شناسی دانشگاه کلرمونت کالیفرنیا.

و مهمتر از همه گرد هی اییهای همگانی که سبب دیدار دوستان دیرین و آشنا شدن با دوستان تازه میشود.

در اینجا باید از پشتیبانی ها و یاری رسانی های همسر و همچنین گذشت های فرزندانم یاد کرده و سپاسگزاری نمایم.

با سپاس از بانو شیدا فرهنگی که وقت خودشان را در اختیار چهره نما گذاشتند و با ارزوی پیروزی های روز افزون برای ایشان و خانواده گرامیشان و ادامه روزافزون همیاری هایشان.

امیرهوشنگ ابتهاج (هـ الف. سایه)

بگشاییم کفتران را بال
بفروزیم شعله بر سر کوه
بسراییم شادمانه سرود
وین چنین با هزار گونه شکوه

مهرگان را به پیشباز رویم ...

رقص پر پیچ و تاب پرچم ما
زیر پرواز کفتران سپید
شادی آرمیده گام سپه

خنده ی نوشکفته ی خورشید

مهرگان را درود می گویند ...
گرم هر کار مست، هر پندار
همره هر پیام، هر سوگند
در دل هر نگاه، هر آواز
توی هر بوسه، هر لبخند

جنگ در شاهنامه چگونه توجیه میشود؟

کیع خرواشی یا نیل به آدمکشی از نگاه فردوسی الهام بهشتی (محقق شاهنامه)

خواست آشتی دارد سعی میکند دستاندازی خود را ناچیز جلوه دهد و فکر ایرانیان را منحرف سازد. پس استدلال میکند کینهی شما با کشتن سلم و تور برخواسته شده و شما انتقام خود را گرفتاید، پس دیگر ادامهی نبرد ضرورتی ندارد اما فکر کیقباد منحرف نمیشود و میگوید رسم دستیازی را در اصل تور نهاده است نه ما و شما این بار به رسم تور قصد دستیازی داشتید و باید ادب شوید.

و اما ببینیم برخورد تورانیان با ماجرا چیست. آنها مثل ایرانیان نیستند که صرفاً بهخاطر کینخواهی و برقراری داد بجنگند. آنها از ماجرا با هوشیاری و مصلحتاندیشی سود میجویند. آنگاه که قصد دستیازی به خاک ایران را دارند برای برانگیختن سپاه خود از کشته شدن سلم و تور داد سخن میدهند و نیت راستین خود (دستیازی به ایران) را در پوشش کینخواهی پنهان میدارند؛ وقتی نوذر که مردی بیتدبیر و سستاراده است،

جنگی آغاز میکنند به خاطر مسالهی کینخواهی است آنها با عملی غیر انسانی روبرو شدهاند و میخواهند با حمله به این عمل غیر انسانی درس عبرتی بدهند، نشان دهند در مقابله با ظلم، خاموش نمیشینند.

نخستین جنگی که میان کشورها رخ میدهد پس از رخداد کشتن ایرج توسط سلم و تور، برادرانش است که بهخاطر حسادت به ایرج از این نظر که پدرشان فریدون سهم بیشتری از زمین را برای او در نظر گرفته رخ میدهد.

فریدون تحمل این ناروایی را در حق پسر نیکومنش خود از سوی دو پسر ناخلف ندارد از منوچهر میخواهد انتقام ایرج را از این دو ستمکار بگیرد. پس در اندیشهی ایرانی کشتن ایرج بهانه و انگیزی جنگهای ایران و توران شد. و گرنه قبل از اینکه جهان بین سلم و تور و ایرج تقسیم شود و ایرج به همین سبک کشته شود جنگی بین ملل وجود نداشت. پس از اینکه سلم و تور توسط منوچهر کشته شدند کینخواهی ایرانیان به پایان میرسد که این همان مسالهی داد است اما این دلیل نمیشود که چنین حرکت ستمگرانهی از سوی سلم و تور از یاد ایرانیان فراموش شود. زمانی که پشنگ به ایران دستاندازی میکند و پس از مدتی بر اثر شکست سپاهانش، در

این نوشتار به این مساله میپردازد که آیا رویکرد ایرانیان در برخورد با طرف مقابل خود، با دیگر نژادها تفاوت دارد یا خیر. به عبارت دیگر ایرانیان و دیگر نژادها برای آغاز یک جنگ چگونه توجیه و دلیل میآورند. میخواهیم ببینیم کدام نژاد در جنگها بیشتر پیشقدم بوده است و کدامین بیشتر به دفاع از خود میپردازد و اگر هم جنگی میآغازد بیشتر به خاطر انتقام و کینخواهی است و کدامیک جنگ را به خاطر دستیازی به سرزمینهای دیگر آغاز کردهاند.

در شاهنامه آنچه مدام به چشم میآید این است که ایرانیان بیشتر از سایر نژادها اگر



جانشین منوچهر میشود، پشنگ شاه توران زمان را برای گرفتن خاک ایران مناسب میبندد و برای برانگیختن سرداران خود خون تور را بهانه میکند. و هر کس که بخواد جلوی او را بگیرد با این توجیه آرام میکند که ما انتقام سلم و تور را میگیریم یادتان رفته ایرانیان با جد ما تور چه کردند؟! پس افراسیاب به ایران لشکر میکشد و بر نوذر پیروز میشود او را به بند میکشد اما سپاهیان او در زابل از زال شکست میخورند و او که به خشم آمد قصد کشتن نوذر پادشاه ضعیف ایران را میکند و برای کشتن او بهانه‌های که میآورد، حرص خوردن او از این شکست نیست بلکه باز هم کینهخواهی سلم و تور را بهانه میکند.

تورانیان زمانی که احساس میکنند در جنگ دیگر یارای مقاومت و مبارزه در برابر ایرانیان را ندارند میکوشند ماجرای کشتن ایرج را ناچیز جلوه دهند سعی میکنند اصلا صحبتی از کشته شدن ایرج و ستمکاری تور نشود و فقط عنوان میکنند: «مگر فریدون خودش جهان را به سه قسمت تقسیم نکرد و برای ایران و توران مرز مشخص نمود؟ پس بیاید مرز بین خودمان را به همان صورت که

فریدون خواست نگه داریم!!» مثلاً افراسیاب پس از شکست به پدرش پشنگ نامه مینویسد و به او میگوید با کیقباد آشتی کند و از نبرد با دشمن نیرومند پرهیزد؛ خون تور را فراموش کند و مرزهای ایران و توران را به همان سان که زمان فریدون بود نگهدارد ایرانیان هم به خواسته‌ی فریدون احترام میگذارند!

این از زبردستی افراسیاب است که هنگام قدرت و ضعف رنگ به رنگ میشود. و این از سیاست اوست که در توجیه رفتارهایش، تفکری پراعتفاف دارد، هنگامیکه سپاهیان از سیاوش شکست میخورند و کار وی سخت میشود، ماجرای ایرج را پیش میکشد و به سیاوش میگوید مرزهای ایران و توران را همانطور که خواسته‌ی فریدون بوده باقی بگذار و خواسته‌ی فریدون را محترم شمارد! فقط افراسیاب نیست که اصل ماجرای ایرج را مورد بازی قرار میدهد، گرسیوز، وزیر او نیز از گذشته استفاده میکند و برای مقاصد تنگنظرنه‌ی خود از آن بهره میبرد. زمانیکه احساس میکند سیاوش میخواهد رقیبی برای او نزد افراسیاب شود و جای او را بگیرد برای اینکه افراسیاب را بر ضد سیاوش تحریک کند با بدجنسی میگوید: «یادت هست ایرانیان بهخاطر بلایی که تور سر ایرج آورد چه احساسی به تورانیان دارند؟ آنها همیشه برای ما آتش زیر خاکستر هستند. و همیشه از ما کینه دارند سیاوش هم یک ایرانی است، مسلماً از ما کینه دارد و با قلبی پرآتش به سوی تو آمده است ابراز مهر و دوستی او فریبی بیش نیست او برای قدرت تو خطرناک است.»

به این صورت کاملاً خشم افراسیاب را برمیانگیزد، از طرفی بسیار دورویانه به نزد سیاوش میرود و با ظاهری دلسوز به سیاوش یادآوری میکند که «تور بدذات چگونه ایرج مهربان را به کشتن داد و اکنون سپهدار توران هم با تو مثل تور است با ایرج! مراقب خودت باش.»

و این دسیسه‌چینی گرسیوز، سیاوش را به کشتن میدهد و جنگهای کینهخواهانه‌ی ایرانیان آغاز میشود.

سپاهیان کیخسرو به توران حمله میبرند و زمانیکه «پیران» سردار توران احساس میکند که یارای نبرد ندارد درخواست آشتی میکند و شروع میکند به اینکه «سلم و تور بسیار بدنهاد بودند که ایرج را کشتند، شما حق دارید کینهخواهی کنید، آنها بسیار



ستمکار بوده‌اند.» و این حرف او برای چیست؟ سخنی زیرکانه است برای اینکه خاطرات ایرج برای ایرانیها زنده شود و ماجرای سیاوش که انگیزه‌ی ایرانیان در جنگ است، رنگ بیازد.

اما ایرانیان حواسشان جمع بود که این جنگ بهخاطر کینهخواهی سیاوش است نه ایرج! پس به جنگ ادامه میدهند. افراسیاب به گنگ دژ پناه میبرد. به کیخسرو پیام میفرستد که با او صلح کند. ولی کیخسرو به یادش میآورد که این مرد چه بلایی سر پدرش آورده و ستمهای دیگر او را نیز از زمان منوچهر یادآوری میکند.

برای ایرانیان جنگ کینهخواهانه نبردی است که هر که در آن شمشیر بزند، چون برای برقراری داد جنگیده به بهشت برین روان میشود.

در جنگ بین کیخسرو و افراسیاب که به کینهخواهی سیاوش شروع میشود، ایرانیان جز رستم که داغ دل از درد سیاوش داشت به آشتی تن درمیدهند و ادامه‌ی جنگ را به علت خونریزی و کشتو کشتار صلاح نمیبینند. برای همین کیخسرو میگوید «اگر افراسیاب بر تخت بماند، جهان از وی خراب میگردد به آشتی تن در ندهید!»

پس علاوه بر کینهخواهی کیخسرو نگران بیدادگریهای افراسیاب نیز هست. سرانجام کیخسرو به افراسیاب دست میآید و وقتی قصد کشتن او را میکند، افراسیاب میگوید: «چرا میخواهی پدر بزرگت را بکشی؟» کیخسرو در پاسخ، ستمهای او را به پدرش عنوان می کند که چگونه افراسیاب، پدر بزرگ مادرش، پدر او را با بیرحمی سر بریده است. با کشتن افراسیاب کینهخواهی کیخسرو پایان میآید و دیگر دلیلی برای ادامه‌ی جنگ نمیبیند. میتوان با مرور شاهنامه از این دست داستانها استفاده کرد و آنها را به دنیای امروز تعمیم داد. خواهیم دید که ایرانیان در عصر معاصر نیز از نظر دادخواهی و کینهخواهی و انگیزه در جنگها شباهتی به ایرانیان شاهنامه دارند یا خیر. میتوان شباهت دشمنان امروزی را با دشمنان زمان شاهنامه بررسی کرد. پس شاید شاهنامه بتواند به مطالعات سیاسی عصر حاضر کمک کند.

شاهنامه نسخه زندگی ایرانی است

آریا جواهری

کشور با بایک سلامتی شاهنامه پژوه

نقالی و کتاب خوانی، سلامتی بر این باور است که برای آموزش نمی توان نسخه ی واحدی را در نظر گرفت، گروهی از کودکان نقاشی را دوست دارند و گروهی شعر را. شعرهای شاهنامه برای کودکان زیر ۱۰ سال کمی سنگین است اما شعرهایی درباره ی داستان های شاهنامه است که برای کودکان مناسب است.

بایک سلامتی شاهنامه را بزرگترین کتابی می داند که هنوز برای ایرانیان کاربرد دارد و به ما ایرانی بودن را آموزش می دهد. «شاهنامه تنها اثری ادبی نیست بلکه شیوه ی زندگی به سبک ایرانی به ما نشان می دهد.»



بایک سلامتی

زادروز: 27 دی 1351

تحصیلات:

مهندسی برق - الکترونیک دانشگاه آزاد یزد

کارشناسی مدیریت صنعتی دانشگاه آزاد تهران

مرکزی

کارهای فرهنگی:

همکاری با امرداد از آغاز و مدیرمسئول و سردبیر

آن از سال 1383

سخنرانی با موضوع خرد در شاهنامه در فرهنگسرای

ابن سینا

سخنرانی با موضوع داد در شاهنامه در بنیاد

فرهنگی جمشید

سخنرانی داستان فردوسی در برج میلاد

سخنرانی های سه گانه با موضوع درس های شاهنامه

در فرهنگسرای رسانه

سخنرانی های بزرگداشت های فردوسی در موسسه

فرهنگی پالیز فرهنگ و فرزاندگی در کاشان

کلاس های شاهنامه در بنیاد فرهنگی جمشید از

سال 1380

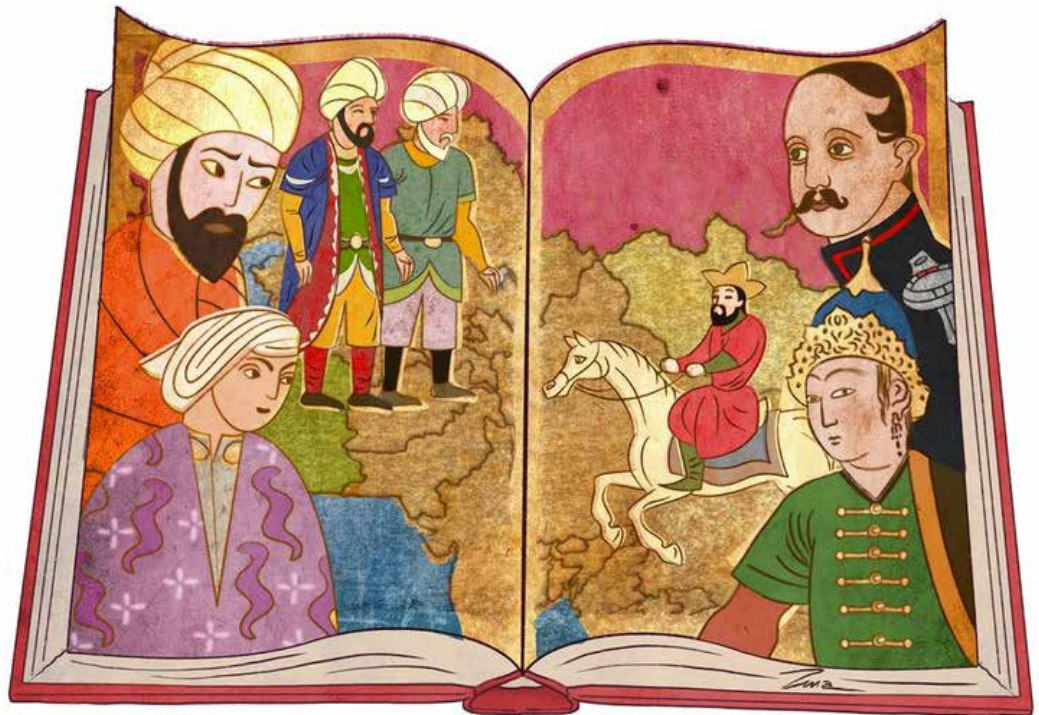
متر که مفاهیم زیادی را در خود دارد. شاهنامه نسخه زندگی ایرانی است که هر کس می تواند در دوراهی های زندگی خود از آن بهره ببرد، در شاهنامه برای مشکلات راه حلی براساس فلسفه ایرانی و زرتشتی وجود دارد.»

سلامتی می افزاید: «خانواده ها می توانند از داستان های کوچک آغاز کنند، زمانی که کودک بودم مادر بزرگم داستان ضحاک را برای من گفته بود و گوشزد می کرد که با هر دروغی که گفته شود بندی از بندهای ضحاک که در کوه دماوند اسیر است باز می شود، این مورد خیلی در من تاثیر داشت. با وجود اینکه کودکان امروزی از سطح هوش متفاوتی بهره می برند اما داستان های شاهنامه برای آنها گیرایی دارد. دختر من با اینکه فیلم های هالیوودی را دیده است اما از من می پرسد که آیا «رستم» از قهرمانان این فیلم ها قوی تر است؟ او می خواهد خیلی موارد را با شاهنامه مقایسه کند. بهتر است تا خانواده ها با اندیشه درباره ی داستان ها بهترین بخش ها را برگزینند.» این شاهنامه پژوه زرتشتی درباره ی اینکه کدام بخش شاهنامه برای آغاز آموزش بهتر است، می گوید: «چندباری مهد کودک ها از من خواستند تا برای بچه ها سخن بگویم، تعریفی که من از «دیو» برای بچه ها داشتم این بود که دیوها کسانی هستند که قوانین را زیر پا می گذارند. به گفته ی مربی مهد کودک پیش از این تعریف های نادرستی از دیو شده بود که باعث شد در بچه ها اثر منفی بگذارد. نخست مهم این است که با چه سطحی از آگاهی با کودکان سخن گفته شود، هنگامی که داستان های گوناگون شاهنامه را برای فرزند خود بازگو می کنم او همواره منتظر ورود «رستم» به داستان است زیرا پیش از این نام او را شنیده است، بچه ها علاقه دارند تا فردی باشد تا امنیت آنها را تامین کند. داستان های «رستم» زیباتر است چون متن شاهنامه حماسی است. فردوسی «رستم» را به شاهنامه می افزاید تا جذابیت های شاهنامه را زیاد کند.» سلامتی یکی از منابع درست برای آموزش شاهنامه را «نامه باستان» نوشته ی جلال الدین کزازی می داند اما افزون بر آن نقش خانواده ها را پررنگ می داند. راه های گوناگونی برای آموزش شاهنامه امروزه به کار گرفته می شود مانند، انیمیشن،

ایرانیان همواره بخشی از تاریخ و گذشته ی خود را در یادگار فردوسی یعنی «شاهنامه» جستجو می کنند. فردوسی در اثر جاوید خود تلاش کرد تا افزون بر روایت بخشی از تاریخ ایران زبان پارسی را نیز زنده کند، از این رو اثری بسیار با اهمیت برای ایرانیان است، که راه های گوناگونی برای فراگیری و خواندن آن وجود دارد که در گفتگو با بایک سلامتی سردبیر، مدیرمسئول و کارشناس شاهنامه به بررسی راه های یادگیری شاهنامه برای کودکان پرداختیم.

بایک سلامتی درباره ی شناخت ایرانیان خارج از کشور می گوید: «آگاهی چندانی ندارم اما شنیده ام چند سالی است که در بخش های کودکان با داستان گوئی و در بخش دانشگاهی تلاش می کنند.»

بایک سلامتی آموزش شاهنامه به کودکان را هم سخت می داند و هم آسان «نخست پدران و مادران باید مفاهیم شاهنامه را به خوبی فرا بگیرند، شاهنامه اقیانوسی است به عمق چندین



چینی‌ها در باره شاهنامه چطور فکر میکنند؟

روزنامه‌های چینی بخشی فارسی دانشگاه پکن درباره طاق چینیا به مطالعه شاهنامه ایرانی

پروفسور جان هون نین لی شان، استاد بخش فارسی دانشگاه پکن

بزرگ یونان، هومر، است. در سال ۱۹۴۶ یک دانشمند چینی به نام پان چین لی داستان رستم و سهراب شاهنامه ی فردوسی را از زبان روسی به زبان چینی ترجمه کرد. ما با خوشحالی تمام می‌خواهیم به دوستان گرامی مؤذهای بدهیم و آن این است که اکنون در چین بخشی از شاهنامهی فردوسی شامل چهار تراژدی ایرج، سهراب، سیاوش و اسفندیار بهوسیلهی استاد جان هون نین از زبان فارسی به زبان چینی ترجمه شده و انتشار یافته است.

ما همچنین در هنگام آموزش در دانشگاه پکن، دربارهی شاهنامه سمینار تشکیل میدادیم و تجربه نشان داده است که این شکل برای شناسایی این اثر نفیس و درخشان بسیار مفید واقع شده است. دانشجویان پیش از تشکیل سمینار، با دقت اثر را میخواندند و طرحهای بیانی خود را مینوشتند و در نشست با شور و شوق دیدگاههای خود را بیان میکردند و حتا دربارهی مواردی مربوط به متن به گرمی بحث میکردند. پس از این سمینارها که دانشجویان درک و آشنایی آنها با این اثر بزرگ بیشتر شد، آنها به این نتیجه رسیدند که شاهنامهی فردوسی یکی از آثار گرانبها در ادبیات جهانی است و چه از نظر ژرفای اندیشه و میهنپرستی آن و چه از نظر شیوهی بیان و هنرمندی شاعر در آن، در میان آثار ادبیات جهانی بیمانند است.

با آنکه مردم چین از راه اروپا با این شاعر و اثرش آشنا شدند، امروز در چین در میان نشستهای ادبی، فردوسی و شاهنامه‌هاش نه تنها مقام والایی دارد، بلکه در سطح بسیار گسترده مورد پژوهش و بررسی است. ما می‌خواهیم رقمی را در اختیار دوستان گرامی بگذاریم: اکنون در چین در بیش از ۱۰۰ مدرسه‌ی عالی دربارهی شاهنامهی فردوسی توضیح داده میشود. این مدارس عالی، بخشی بهعنوان بخش ادبیات خارجی (یا شرقی) دارند و شاهنامهی فردوسی یکی از آثاری است که در این بخش مورد توجه قرار میگیرد.

۵۶ سال پیش هنگامیکه در سراسر جهان، بنا به دعوت دولت وقت ایران، هزاره‌ی فردوسی برقرار میشد، در چین نیز انعکاس یافت. در یکی از مجله‌های وزین آنوقت چین به نام ادبیات (شماره پنجم، سال سوم) نویسندهای به نام اووشی نوشتاری چاپ کرد و در آن، شاهنامه و فردوسی را بسیار گسترده، معرفی کرد و در پی آن، داستان جمشید و ضحاک را آورد. این داستان را، اووشی از زبان انگلیسی به چینی ترجمه کرده بود. اووشی در نوشتار خود نوشت: پیش از هر چیز ما باید جایگاه بلند شاعر و ارزش بزرگی اثرش را در ادبیات جهانی بشناسیم؛ فردوسی شاعر یک ملت نیست، بلکه وی یکی از چند نمایندهی شاعران جهانی است.

در همان زمان، یکی از استادان مشهور چینی به نام جین جیدو در کتاب خود با نام تاریخ ادبیات جهانی، ۲۷ شاعر ایرانی را به مردم چین معرفی کرد؛ و فردوسی و اثرش در سرلوحهی آن بخش بود. این دانشمند دربارهی فردوسی نوشت: فردوسی از شهرت بسیار بالایی برخوردار است و شاید وی نخستین کسی از شاعران ایرانی است که برای خوانندگان اروپایی آشنا باشد. جایگاه این شاعر در نظر فرنگیها مانند شاعر



کم تر کسی است که با شاهنامه آشنایی داشته باشد و نام جلال خالقی مطلق را نشنیده باشد. فردوسی سی سالی عمر خود را بر سر شاهنامه گذاشت. خالقی مطلق اما برای تصحیح شاهنامه پنجاه سالی از عمر خود را مایه گذاشته است. جلال خالقی مطلق، ابتدا در آلمان رشته ادبیات را برگزید و سراغ هومر و سایر حماسه سرایان رفت. راهی که آن سوترش شاهنامه فردوسی قرار گرفته بود. نخستین رساله اش درباره زنان شاهنامه بود و از آن پس علاوه بر تحقیق و پژوهش در کارهای چند شاعر دیگر ایرانی، همچنان در کار تصحیح و تنقیح و حاشیه نویسی شاهنامه باقی مانده است. جلال خالقی مطلق شاهنامه را در عین حال یک تاریخ ادبیات دوره پیش از اسلام نیز می داند که ویژگی‌های ادبیات کهن ما را در دوره‌های گوناگون، به ویژه در دو دوره پارسی و ساسانی نشان می‌دهد. دو دوره‌ای که تفاوت‌هایی با هم دارند. در دوره پارسی ادبیات حماسی و عشقی رواج داشته و در دوره ساسانی، ادبیات اندرزی و آیین خسروان و داستان‌های تاریخی و اجتماعی. در همین دوره ساسانی است که داستان پادشاهی بهرام گور را می‌خوانیم. قصه ای که برای شناخت طبقات مختلف مردم در آن دوران حائز اهمیت است. خالقی مطلق در مورد مطالبی که در سال‌های اخیر درباره شاهنامه منتشر می‌شود داستانی دارد پر آب چشم: «نود درصد کارهایی که در این بیست ساله اخیر درباره شاهنامه به زبان فارسی نوشته شده است، فاقد ارزش علمی است. این مطالب یا تکرار مکرراتند یا انشاهای ادبی که غالباً به جای تفسیر داستان به تحریف آن می‌انجامد.» او اغلب نقاشی‌هایی را که از ادبیات ما الهام گرفته شده نیز با سسه ای و قالبی و بدلی می‌داند و می‌گوید: «به جای این‌ها کاش به نقاشی صحنه‌های عشقی که در ادبیات ما اصالت دارند، می‌پرداختند. نقاشی پیرمرد با موی و ریش سفید در برابر زن باریک اندام با سینه‌های هوس انگیز تنها از ناکامی سخن می‌گوید.»

خالقی مطلق، پژوهشگر شاهنامه، خود نیز شاعر است، اما شعرهایش را کمتر منتشر کرده است. او را در هامبورگ آلمان محل اقامتش یافتیم و با او به گفت‌وگو نشستیم:

آقای خالقی مطلق! شما در گفت‌وگویی ضمن تعریف از تهران قدیم با باغهای سبز که عطر آن همچنان در مشام شماست، از کاشیهایی با تصاویری از ضحاک ماردوش گفته بودید و ماهیهایی یاد کرده در حوض. آیا همه این خاطرات سبب رفتن شما به سوی فردوسی شد؟

من زمانی که دبستان میرفتم، کسانی در خانواده ما، اهل ورزش بودند. در آن زمان کسی که اهل ورزش بود، اهل زورخانه بود و کسی که اهل زورخانه بود، عملاً با شاهنامه ارتباط داشت. پسردایی من در منزل تخته شنا میزد. تخته‌های بود که می‌گذاشتند روی زمین و دستشان را می‌گذاشتند روی آن تخته و میرفتند و می‌آمدند و در عین حال از شاهنامه شعر می‌خواندند. با هر مصرعی که می‌خواندند، یکبار میرفتند و می‌آمدند. با این سرعت ورزش میکردند. او یک کتاب شاهنامه جلو آن تخته روی زمین باز میکرد و غالباً هم داستان رستم و اشکبوس را می‌خواند. این داستان عکسی داشت، خیلی زیبا بود که رستم را در حال تیر زدن به اشکبوس نشان می‌داد. من عاشق این عکس بودم و خیلی خوشم می‌آمد. این اولین خاطره‌ی من از شاهنامه است. وقتی قدری بزرگتر شدم، البته نقالی‌ها را میشنیدم، از رادیو میشنیدیم که شاهنامه می‌خواندند. در دوره دبیرستان هم فرصتی پیش آمد که ما شاهنامه خواندیم. ولی منتهی نه به صورت دقیق از آغاز تا انجام. تکه‌هایی از آن را می‌خواندیم. این به اصطلاح آشنایی نخستین من با شاهنامه بود.

از آن شعرهای دوران دبیرستان و دبستان چیزی در یادتان مانده؟

قاعدتاً همان رستم و اشکبوس بود و چندتایی از این دست اشعار که بیشتر هم پندها و اندرزه‌های شاهنامه بود. من وقتی که در شهر کلن رشته زبان و ادبیات آلمانی را انتخاب کردم، بیشتر دنبال حماسه رفتم. یعنی آشنایی دقیقتر من با حماسه، با حماسه‌های غرب بود. ایلیاد و ادیسه و امثال این‌ها. می‌خواهم بگویم که شاید ۹۰ درصد از حماسه‌های جهان را در آن زمان خواندم و بعد از آن برگشتم به شاهنامه. معمولاً آدم از آنچه در وطن خودش بیشتر به گوشش رسیده می‌رود سراغ شعرهای دیگر. در مورد شما اما قضیه برعکس بود؟

از این جهت است که میتوانم بگویم من با یک دید دیگری به شاهنامه برگشتم.

چه تفاوتی بین قهرمانان ایلیاد با شاهنامه مبینید؟

دنیا دنیای پهلوانیست. ولی آداب و رسوم پهلوانی جداست. یک مقدار نقاط مشترک هست. در این حرفی نیست. ولی اصولاً شیوه تفکر غربی با حماسه چیز دیگریست تا آن چیزی که ما ایرانیها داریم. اولاً بسیاری از حماسه‌های غربی حماسه‌های شفاهی هستند. یعنی شاعر بدیهه سراسر است. حالا در مورد هومر این اختلاف هست. بعضیها اصلاً معتقد نیستند که کسی به نام هومر بوده و بعضی‌ها هم معتقدند که او بدیهه سراسری بوده که بعداً اشعارش را دیگران دستکاری کردند و به این صورت درآوردند. بعضی‌ها هم معتقدند که نه، این خود هومر است. در موردش خیلی اختلاف هست. در هر حال ایلیاد هومر یک اثر بسیار جالب و بزرگی است. ولی اصولاً شیوه برداشت یک شاعر غربی از جهان و در نتیجه هم از حماسه یک چیز دیگریست تا آن چیزی که در ایران بوده. حالا چه فردوسی، چه پیش از او و یا چه بعد از او.

نمونه بارز آن چیست؟

برای نمونه مصرع اول ایلیاد و شاهنامه، تمایز این دو اثر را به خوبی از همدیگر نشان میدهد. کتاب ایلیاد با این مصرع شروع میشود: ای الهه بخوان سرود خشم آشیل را. و در شاهنامه شروع میشود: به نام خداوند جان و خرد. این دو مصرع آغازین خیلی خوب تفاوت دو شیوه تفکر مختلف را نشان میدهد، تفکر ایرانی و تفکر غربی را. در آنجا میدانید که خدایان هستند و این خدایان گاهی بازیگوش اند و در کارهای

بشر دخالت مثبت و منفی میکنند. همه شان کارهای نیک انجام نمی‌دهند. بعضی هاشان کارهای بد انجام میدهند. در حالی که در ایران، فردوسی با یک خدا ارتباط دارد که او همیشه نیکوکار است و در نتیجه قهرمانان رابطه دیگری با خدایشان دارند تا قهرمانان ایلیاد. آن چه که مشترک است، پهلوانیست. دو اثر واقعاً گوناگون است، ولی هر دو به نوع خودشان دو حماسه جهانی هستند. من تصور نمیکنم از شاهنامه فردوسی و ایلیاد هومر حماسه بالاتری وجود داشته باشد یا هم سنگ اینها، با وجود تفاوت‌های مختلف.

فردوسی و هومر وجوه مشترکی هم دارند؟

فردوسی یک دانشمند است برخلاف هومر. هومر یک خواننده دوره گرد است. داناییش دانایی عمومی و همگانی است. تجربی است. در حالی که فردوسی یک مرد دانشمند و اهل قلم و اهل تفکر است. شعر را روی کاغذ می‌آورد. هومر روی کاغذ نمی‌آورده، در سینه اش بوده. حالا البته بعضی از غربیها این تئوری را آورده اند که فردوسی هم باید مثل هومر دوره گرد باشد. ولی این حرف بی‌ربط است.

در ایران قدیم می‌دانیم که درصد بیسودی خیلی بالا بوده، این شعرها آیا سینه به سینه منتقل می‌شده؟ خواندن فردوسی خیلی هم راحت نیست. یعنی واژه‌هایی دارد که آدم عادی و عامی نمیتواند مفهومش را متوجه بشود!

بله درست است. ولی شاهنامه فردوسی را کاتب‌ها به روزش کردند به اصطلاح. یعنی هروقت که کتابت اش کردند، واژه‌های کهن را با واژه‌های نو، فارسی را با عربی، معاوضه کردند و به جایش نوتر گذاشتند که مردم راحتتر بفهمند. بعضی بیتها را زدند. بعضی بیتها را خودشان سرودند و به جایش گذاشتند.

یعنی آنچه بین مردم عادی رایج بوده، متعلق به فردوسی نبوده؟

نه منظور من این است که آن چیزی که کاتبان یا دارندگان نسخ آنها خودشان عوض می‌کردند به میان مردم م‌آمده و نه برعکس. البته ممکن است که مردم هم اینجا و آنجا خودشان شعری می‌گفتند. نقلها چون سواد داشتند، شاهنامه را می‌خواندند، و ساده میکردند. یا طومارهایی داشتند که غیر از داستانهای شاهنامه داستانهای دیگری هم در آن بوده و از روی آن طومارها

که از استادشان به ارث میبردند، نقلی میکردند و همان طومارها را هم به شاگردشان میدادند. بنابراین در کنار شاهنامه فردوسی ما یک شاهنامه کاتبان داریم و یک شاهنامه نقالان. به همین ترتیب شاهنامه آسانتر میشود تا به دست مردم و خوانندگان برسد. ما به شاهنامه نقالان کاری نداریم، وظیفه من این است که شاهنامه کاتبان را تا جایی که ممکن است برگردانم به شاهنامه فردوسی.

یعنی به اصل شاهنامه؟

بله به اصل شاهنامه. البته این کار صددرصد امکان ندارد. ولی تا اندازه زیادی بر اساس روش انتقادی تصحیح متون، این کار ممکن است که مثلاً ما شاهنامه ای را به دست بیاوریم که فرض کنید اعتبارش برابر شاهنامه ای باشد که صدسال بعد از فردوسی کتابت شده باشد.

خود فردوسی زیر تاثیر شاهنامه های منتشر شده در زمان های پیشین نبوده؟ مثل گشتاسب نامه دقیقی یا شاهنامه های منظوم و منثور دیگر؟

صددرصد. اصلاً امکان ندارد که شاعری بتواند بدون بررسی آثار حماسی پیش از خودش یک اثر حماسی بیافریند. فردوسی یک شاهنامه منثور را که در زمان جوانی او در شهر توس از زبان پهلوی ترجمه شده بود، اساس کار خودش قرار داد و آن هم با امانتداری به مطالبی که در آن هست. چون حماسه سریان واقعی مطالب و مأخذ خودشان را حقیقت تاریخی می دانستند و اعتقاد داشتند که باید وقتی آن را به شعر در می آورند، چیزی حرام نشود. منظور این نیست که کارشان ترجمه بوده، و یا نقل یک به یک. بلکه از لباس نثر آن را به لباس شعر درمی آوردند، می پروراندند. مطلب را، شاخ و برگش میدادند، ولی اخباری که در آن بود را حفظ میکردند.

یعنی رستم شاهنامه فردوسی همان رستمیست که در شاهنامه منثور بوده؟

در همان شاهنامه ابومنصور بوده. اصلاً رستم شاهنامه فردوسی را شاهنامه ابومنصور به وجود آورده، در صورت پهلوی اش. یعنی در فارسی میانه ای دوران ساسانیان، رستم یک نقش بسیار جزیی داشته. این ابومنصور عبدالرزاق که از طرف سامانیان حاکم توس بود، خودش را جهان پهلوان میدانست و به همین دلیل علاقه خاصی به داستانهای رستم داشت. از این جهت مقداری از روایاتی که در صورت پهلوی بود،

فارسی میانه، این را برداشتند، از جمله روایات آرش کمانگیر را، و به جایش روایات رستم را گذاشتند که مورد علاقه این جهان پهلوان بود، یعنی ابومنصور عبدالرزاق. بعد این رستم به دست فردوسی یک چنین جلوه ای پیدا کرد.

تا ۶۰-۵۰ سال پیش، به ندرت کسی اسم آرش روی فرزند خودش میگذاشت. میگویند از زمانی که سیاوش کسرایی آرش کمانگیر را سرود، پسرانی با نام آرش نام گذاری شدند. آیا این درست است یا اینکه مردم از طریق نقلی ها و زورخانه ها با نام آرش کمانگیر هم آشنا بودند؟

نخیر آشنا نبودند. همین درست است، منتهی با یک توضیح. خود سیاوش کسرایی هم آرش را از روی تحقیقاتی که پژوهندگان در همین زمانه ما روی آرش کردند، شناخت و حماسه آرش کمانگیر را در آن شعرش سرود و بعد به نوبه خودش تأثیر گذاشت در شهرت آرش کمانگیر.

نخستین رساله شما درباره زنان شاهنامه است. شما در هفت پیکر نظامی هم به قصه بانوی حصار پی برداختید. ویژگی این زنان چیست که شما را به خودش جلب میکرده؟ موضوع زنان شاهنامه برای رساله ی دکتر را دکتر عبدالجواد فلاطوری که با من دوست بود و در دانشگاه کلن درس میداد، پیشنهاد کرد و من پذیرفتم. اتفاقاً خوشحال هم شدم. موضوع خوبی بود به نظر من. اما موضوع مربوط به هفت پیکر اتفاقی بود. چون خود این موضوع خیلی مهم است، این حکایت زن حصار. میدانید این حکایتی است که روی آن اپرا ساخته شده در خارج و خیلی مشهور است و در واقع خود هفت پیکر هم مثل سایر آثار نظامی مقام شامخی در ادبیات فارسی دارد. ولی ما بیشتر اسم حافظ و سعدی و مولانا را می شنویم تا نظامی.

متأسفانه نظامی تا حدودی فراموش شده در ایران. گاهی میشنویم که ایرانیان میگویند چهار شاعر بزرگ ایران، در حالی که ایران دارای پنج شاعر بزرگ است که به ترتیب تاریخی فردوسی، نظامی، مولوی، سعدی و حافظ باشند. ولی قاعدتاً می بینید که سخنی از نظامی نیست. نظامی در ادبیات جهان به عنوان شاعر بزرگ محسوب میشود و هیچ کمی از شاعرانی مثل سعدی و حافظ ندارد و شاهکارش هم همان هفت پیکر است.

بسیاری از شاعران ما زن را موجودی گاه معلول نشان میدهند که فقط برای زیبایی ساخته شده و یا برای لذت مرد، اما در هفت پیکر، زن دانای کل است. یعنی اوست که با طرح چیستان ها مردان را به بازی میگیرد و خودش بازی داده نمیشود.

البته این در هفت پیکر نظامی استثناست. نظامی هم یکی از شاعران ضد زن است و بدتر از همه آنها ی دیگر. خاقانی و نظامی هر دو از شاعران ضد زن هستند. ما در بین شعرا یمان کمتر شاعری داریم که مثل این دو شاعر ضد زن باشد.

سعدی شعرهای عذیده دارد که اصلاً میگوید زن را بزنی یا به خود فردوسی این شعر منسوب است که "زن و ازدها هر دو در خاک به!" چرا شاعرهای ما این قدر زن ستیز بودند؟ فردوسی تنها شاعر ایرانیست که زن ستیز نیست و سر این بیت ما بارها گفته ایم که این بیت الحاقیست و در هیچ یک از نسخههای کهن نیست. در میان نسخه هایی که از سده هفتم هجری، تا یازدهم هجری داریم، این بیت نیست. بعداً سردر می آورد از زمان جامی تقریباً. غیر از این بیت، دو سه بیت دیگر هم هست و در اینکه این ابیات الحاقیست در تصحیح شاهنامه، کوچکترین تردیدی نیست. در هیچ یک از شاهنامه هایی که چاپ شده، شما این بیت ها را نمیبینید و اینهایی که این بیت ها را در این سال های اخیر علم کرده اند به اسم فردوسی، اینها فردوسی ستیزند و نه اینکه فردوسی زن ستیز باشد.

شما یکجا گفته اید که شاهنامه متنی دشوار آسان نماست. دشواری اش در کجاست و آسانی اش در کجاست؟

دشواری اش در این است که شما شاهنامه را میخوانید، دقیق متوجه نمی شوید. گاهی به واژه یا اصطلاحی برمی خوردید که نمی دانید چیست. آسانی اش در این است که داستان را می خوانید تا آخر و میفهمید چه بوده. این است که دشوار آسان نماست.

داستان های شاهنامه را با وجود شخصیت های متعدد هر داستان و فضاهای گوناگونی که ترسیم میکند، می شود یک رمان نامید؟ یا تفاوتی با رمان دارد؟

در تحول یک داستان به رمان مرحله طی میشود. یعنی یک داستان حماسی اول تبدیل به رمانس میشود. رمانس داستانست پهلوانی عشقی. بعد از آنجا تبدیل به رمان منظوم میشود. یعنی رمانی به شعر میشود و بعد از آنجا تبدیل به نثر میشود. شما در شاهنامه هم حماسه دارید مثل داستان رستم و اسفندیار یا داستان رستم و سهراب که

اینها داستان های حماسی و پهلوانیست و هم رمانس دارید. یعنی داستانهای پهلوانی عشقی مثل بیژن و منیژه یا گشتاسب و کتابون. مرحله بعدی شما رمان منظوم دارید مثل ویس و رامین یا لیلی و مجنون نظامی. اینها رمان منظوم است. در ادبیات غرب از قرن مثلاً ۱۸ و ۱۹ رمان به نثر رواج پیدا میکند. در ایران خیلی طول میکشد تا این مرحله طی شود.

رمان منثور ما رمان هایست که چون مورد علاقه خوانندگان قرن بیستم نبوده، به آنها زیاد توجه نکرده اند. ولی ما از این رمانها هم داریم. فرض کنید امیراسلان یک رمان است. پیش از آن هم بوده، مثل حاجی بابا اصفهانی که بعضیها میگویند اصلش ایرانی بوده و بعضیها میگویند اصلش ایرانی نبوده است. ما بعدها تحت تأثیر رمان نویسی غرب به رمانی رسیدیم که رابطه اش را با رمان نویسی ادبیات سنتی ما قطع کرده و با غرب رابطه پیدا کرده است.

همان طور که شما گفتید ما خیلی دیر شروع کردیم به رمان نوشتن. خاطراتی بوده که...

ما دیر شروع کردیم که نثر را به عنوان ابزار رمان نویسی به کار ببریم. چون در خاطر ایرانیها همیشه شعر نقش بالاتری را بازی میکرد. خود شاعرها هم میگویند شعر پادشاه است، نثر رعیت. فردوسی هم که شاهنامه را میسراید، یک جایی اشاره کرده که مأخذش شاهنامه ابومنصور است که به نثر بود و به همین دلیل خواننده ها علاقه ای به خواندنش نداشتند و من این را به شعر در آوردم. یعنی به یک زبان بهتری در آوردم.

از شاهنامه اخیراً در همه هنرها استفاده میشود از جمله در اپرا و در یکی دو سال پیش حتی در موسیقی سنتی. به نظر شما شاهنامه توانایی برگرداندن به همه ی هنرها را دارد؟

به نظر من دارد. در قدیم نقاشی یا مینیاتور را برای تذهیب کتابها به کار میبردند. روی کوزه و بشقاب عکس های صحنه های شاهنامه را میکشیدند. بعد نقلی بود و انواع و اقسام هنرها که از آنها استفاده میشد. بعداً خُب ما با هنرهای غرب آشنا شدیم. یک مدتی طول کشید تا از آثار هنری و ادبی خودمان برای نشان دادن هنرهای غربی استفاده کنیم. این کار هم چندان با موفقیت انجام نشده. یعنی شما

فرض کنید که نمایشنامه تهیه شده از داستان های شاهنامه یا فیلم، ولی ارزش هنری بالایی ندارد. هیچ کدام.

در بخش باله و اپرا هم. بله. مثلاً فرض کنید تاجیک ها که هنر سینما را از روس ها یاد گرفتند، فیلم رستم و سهراب را تهیه کردند یا سیاوش را تهیه کردند، خیلی موفقیشان بیشتر بود. چون هنر دراماتیک را از روسها فراگرفتند. ایرانیها این کارها را نمی توانند انجام دهند. هنر سینمای ایران بسیار ضعیف است برای تهیه فیلم های باستانی و قدیمی. برای کارهای جدید البته به حق هم جایزه میبرند. ولی شما برای اینکه مثلاً فرض کنید داستان رستم و اسفندیار را روی پرده بیاورید، به خیلی چیزها احتیاج دارید که سینمای ایران ندارد.

مثلاً؟

نه دکور میتواند بسازد، نه دیالوگ. دیالوگی که هم قدیمی باشد و هم توی ذوق شنونده نزنند. نه موسیقی اش را میتواند بسازد و نه هنرپیشه اش را دارد که بتواند نقش این پهلوان ها را خیلی خوب بازی کند آن طور که شما در فیلمهای خارجی ببینید. هیچ کدام اینها از دست سینمای ایران ساخته نیست.

آقای بهرام بیضایی کارهایی کرده بودند. شما نمی پسندید آنها را؟

نه من فکر نمیکنم ایشان یا هر کدام از اینها بتوانند. من یک سریالی هم در ایران دیدم که زال و رودابه را بازی کرده بودند. بسیار بسیار مفتضح. اصلاً بهتر است نکنند.

این سیمرغ را هم که آقای متبسم روی آن کار آهنگسازی کرده بودند، شما شنیده اید؟

بله آن را هم شنیده ام. ولی یکمقدار طول میکشد. حالا البته وقتی که عموم شنوندگان می پسندند، باید راضی بود. ولی در نقد دقیق سینما یا موسیقی و قاعدتاً اینها پایدار نمی مانند. ولی این آغاز کار است. باید اینها باشد که بعد یواش یواش کارهای بهتری بیاید.

چرا اصلاً این قدر غزل در موسیقی سنتی ایران رواج دارد، ولی شاهنامه با این همه قصه های زیبا نه؟ علتش بیشتر قصه گونه بودن این داستانهاست که احتمالاً در موسیقی سنتی خوب از آب در نمی آید یا اینکه کم کاری هنرمندان ماست که

به سراغش نمی روند؟

نه، اینها با هنر غربی تازه آشنا شده اند. این را با زندگی امروز خوب میتوانند وفق اش دهند. شما وقتی که فیلمی را تهیه میکنید از زندگی امروز مردم، شما در آن زندگی هستید، چند و چون کار را بهتر میشناسید. احتیاج به دکور ندارید. احتیاج به لباس خاصی ندارید. احتیاجی به پروراندن بعضی لحظه های داستانی ندارید. قاعدتاً موفقیشان بیشتر است. ولی برای رفتن روی قصه های قدیمی اطلاعات تاریخی و ادبی بیشتری لازم است. هزینه بیشتری نیاز دارد و اینها خوب هنوز در آغاز کار هستند. یک زمانی من به دوستانم پیشنهاد میکردم، که یکااش در ایران در زمانی که جشنهای ۲۵۰۰ ساله را می گرفتند، به جای آن فرض کنید داستان ها و ادبیات فارسی از جمله شاهنامه و چند داستان دیگر از نظامی و امثال اینها م یاداند به سینمای غرب که فیلم تهیه میکردند و این الگویی میشد در دست هنرمندان خود ما که بدانند مثلاً چه کار چه جور است. خیلی کمک میکرد به سینمای ایران. ولی این کار انجام نشد.

در مورد تاجیک ها چطور؟

تاجیک ها هم که گفتم یکی دوتا فیلم خوب تهیه کردند، کارشان نقایص بزرگی هم داشت. در آن زمان هنوز شوروی سابق بود، آن ها هم برای رعایت حال حکومت وقتی رستم سهراب را میکشد، شعارهای مارکسیستی لنینیستی میدهند. بعد هم عناصری را وارد داستان کردند که خیلی بی ربط بود. ولی خوب هنرپیشه ها خوب بازی می کردند، فیلمبرداری و دکور خوب بود. خیلی بهتر بود. این کار از دست هنرپیشه های سینمای ایران بر نمی آید.

اتفاقاً تاجی کها به ادبیات ایران بیشتر عشق می ورزند تا ما ایرانیها. تاجیکها ادبیات ایران را ادبیات خودشان میدانند.



آقای خالقی مطلق شما روی شاعرهای دیگر هم خیلی کارهای پژوهشی کرده اید. **چرا در مورد فردوسی این قدر کار به درازا کشید؟**

شاهنامه اثر پر حجمی است. ۱۰ برابر دیوان حافظ و زبانش هم زبانی کهن است. من وقتی پا در کار تصحیحاش گذاشتم، اول نسخه ها را بررسی کردم و از میان آنها ۱۵ یا ۱۶ نسخه را انتخاب کردم، این کار بسیار پرمایه ای بود. در نتیجه کاری نبود که بشود در یکی دو سال انجام شود و بعد من بروم سراغ بک شاعر دیگر. بنابراین من این همه سال خیلی زیادتر از خود فردوسی که کار کرده، روی این کتاب کار کردم و بعد از تصحیح نخستین، یادداشت هایش را بیرون دادم... تنها یادداشت هایش

دو هزار صفحه است و بعد این مقالات جنبی در حدود بیش از صد مقاله من در مورد شاهنامه نوشتم. خوب اینها وقت میگیرد. تازه بعد از چاپ تصحیح اول، تصحیح دوم را هم نوشتم که تا یکسال دیگر از چاپ خارج میشود. در کنار آن به کارهای دیگری هم پرداخته ام. راجع به ویس و رامین و نظامی مقالاتی در دانشنامه زبان ادبیات فارسی نوشته ام که حرف نون و میم، آن هنوز بیرون نیامده. علاقه من فقط به شاهنامه نیست، اصولاً به شعر فارسی علاقمند هستم. به سعدی و حافظ و نظامی و ویس و رامین خیلی علاقه دارم. ولی کار اصلی یا در واقع زمینه کار من حماسه های ایرانیست که در مرکز شاهنامه است.

اگر اشتباه نکنم جلیل دوستخواه در تفسیری نوشته که رستم فردوسی مرد خودخواهی بود و میخواست فقط خودش قهرمان باشد و وقتی سهراب را میکشد، میدانسته که پسرش است. شما هم با این نظر موافقید؟

من موافق نیستم. البته باید قبول کرد که رستم در حماسه های ایرانی تا پیش از اسلام نقش مرکزی نداشته. این نقش را با مأخذ شاهنامه فردوسی و خود فردوسی به دست آورد. او پهلوانی بوده مانند پهلوان های دیگر و شهرتش نیز از آنها بیشتر نبود. در واقع چون جزو حماسه های سکائی بوده، یک مقدار زیادی بدوی بوده و این خوی بدویاش را هم در شاهنامه تا حدودی شما می بینید. نسبت مثلاً به قهرمانان دیگر شاهنامه مثل اسفندیار یا بهرام. اگر اینها را باهم مقایسه کنید، میبینید که اینها دارای خوی شهرتری هستند و رستم یک مقدار بدویتر است. یعنی در حالی که خیلی باوفا و ایران دوست هست، خیلی زمخت است. ولی این که در داستان رستم و سهراب میدانسته که پسرش را کشته، یک چنین چیزی از شاهنامه بهه یچوجه بر نمیآید. البته هر کسی می تواند تعبیری برای خودش بکند. اما تا جایی که من میتوانم بگویم، این است که در داستان رستم و سهراب حتی یک کلمه شما نمیتوانید بیرون بکشید که بگوید براساس این رستم میدانسته که سهراب پسرش است. چنین چیزی نیست. گفتگو از دویچه وله فارسی

مغز انسان، شگفت انگیز ترین، قوی ترین و پیچیده ترین پدیده، در تمام هستی و کائنات با میلیارد ها سال نوری ابعاد است.

انسان بعد از ده میلیون سال تکامل تدریجی و بسیار کند، آنگاه که توانست دست های خود را از قید جاذبه ی زمین برهاند و بر روی دو پای خود پیروزمندانه به ایستد، نگین پادشاهی زمین را بر انگشتان هنرمند خود آزمود و ردای سلطانی جهان را بر قامت رسا و آزاد شده عزت بخشید.

انسان... انسان آزاد شده از اجبار خزیدن بروی چهار دست و پا، در این لحظه ی شگفت انگیز تاریخی بود که بعنوان اولین و آخرین و بی مانند ترین موجود ابزار ساز جهان ظهور کرد و توانست از نیروی خود طبیعت، با ابزاری که ساخته بود در پیروزی بر نیروهای کور و سرکش همان طبیعت مدد گیرد و ظرفیت آن را به خدمت در آورد.

از این پس یعنی پس از به روی دو پا ایستادن و با دست های آزاد خود ابزار ساختن بود که خرد معنا یافت... گزینه به اراده تبدیل شد، اختیار نسبی به جای جبر نشست و موجودی بر صحنه گیتی پدیدار شد که صاحب خرد بود.

اجازه بدهید ابتدا خرد را از باور خود معنا کنم و بعد به ابعاد و وسعت آن پردازم. این تعریفی که من از خرد می دهم تعریفی است که خود به آن رسیده ام و دفاع از آن را هم خود بر عهده دارم. بنا بر تعریف من: خرد عبارت است از توان ذهن انسانی برای بهره گیری و پیوستگی درست دادن به دانسته های خویش

یعنی چه؟

یعنی بتوان از شناخت خوب، ظرفیت انحنای گیری آن، شناخت روده و توان انعطاف آن و تیزی خوب و ظرفیت پُر برای هدایت، و قدرت دست ها، بهره گرفت. آن ها را با هم جمع کرد و به ساخت تیر و کمان موفق شد. یعنی جمع بندی دانسته ها و پیوستگی دانشان به یکدیگر برای رسیدن به حاصلی جدید. موجودی که خرد ندارد نمی تواند از

این دانسته ها برای ساختن تیر و کمان استفاده کند.

با نیروی شگفت انگیز خرد بود که انسان توانست بر دریاها مسلط شود، از هر دانه ده ها دانه بسازد، از غارها به خانه ها نقل مکان کند، آتش را به خدمت بگیرد، دل کوه ها را بشکافد و جهان را به میل و بضاعت خود محدود در دایره ی تکامل و زمان تغییر دهد و به موجود درجه یک جهان، یعنی موجودی دردانه و یگانه در تمام هستی تبدیل شود.

اما این خرد خردی خام است. و هنوز با خرد والا فاصله ای بعید دارد. تا این لحظه انسان از خرد فقط برای پاسخ گویی به نیازهای غریزی اش بهره میگیرد و خردش را فقط در خدمت تولید بیشتر و مصرف بیشتر بکار می برد.

تا این لحظه خرد فاقد زیبایی است. خرد مفید وجود دارد اما این خرد زیبا نیست. مختص انسان است ولی انسانی نیست احمد شاملو در وصف این ظهور ناگهانی زیبایی و عدالت خواهی میگوید:

نه عادلانه نه زیبا بود جهان / بیش از آنکه ما به صحنه بر آئیم / عدل نایافته را فریاد کشیدیم و / زیبایی در وجود آمد

آری... جهان با خرد والا زیبا و با فریاد عدالت خواهی انسان زیبا شد و قبل از آن زیبا نبود چون میل به عدالت در ذهن انسان خردمند شکل نگرفته بود.

بدین سان ظهور خرد والا در اندیشه های انسانی فصل جدیدی را در ابعاد رضایت



از زندگی می گشاید. انسان قدم به قدم از حیوان فاصله میگیرد. مهربانی، نیکوکاری، غمخواری، راستی و درستی، عشق ورزی، مین دوستی، مردم دوستی، عدالت خواهی، صلح دوستی و برادری و برابری که شاید بتوان همه ی آن ها را زیر مفهوم "اخلاق انسانی" جمع بندی کرد بر زندگی ساده و غریزی انسان رنگی تازه می بخشد و او را به درجه ای ارتقاء میدهد که در تاریخ هستی این بار از ابعاد دیگری بی مانند است.

اشو زرتشت بزرگوار آموزه های انسانی اش را بر خرد والا بنا نهاده است. او در آموزه های انسانی خود از انسان خردمند دعوت میکند تا از مرز خرد عبور کند و به دشت سبز "خرد والا" گام نهد او میگوید راستی کن برای راستی. راستی کن نه برای جهنم و نه برای بهشت. تو راستی کن چرا که از راستی کردن به خرد والا و از خرد والا به لذت والا میرسی. و ابعاد جدیدی از تمتع گرفتن از زندگی را تجربه میکنی.

زرتشت بزرگوار با شعار به غایت انسانی و به غایت هوشمندانه و خردمندانه ی خود پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک جهان را و انسان را از عطر دل انگیز رضایت پایدار پُر میکند و به انسان می آموزد که با رسیدن به خرد والا موفق به کشف لذت والا خواهد شد.

اگر واحد لذت را در میانه ی تعریفی شوخی آمیز اما درست، "یک پرس چلوکباب سلطانی" فرض کنیم آنگاه با شگفتی در می یابیم که انسانی که صاحب خردی

والاست میتواند با بهره گیری از اخلاق

انسانی به لذت نامحدود هم برسد.

انسانی که به خرد والا و... لذت والا دست نیافته است چند پرس چلوکباب سلطانی میتواند در روز مصرف کند تا به اندازه ی یک شعر خوب، به اندازه ی نیکی کردن، به اندازه ی کشفی از رازهای طبیعت نائل گشتن، به اندازه ی مرهمی بر زخم پرده ی بی پناهی مرهم گذاشتن به اندازه ی عشق به معشوق زمینی و به اندازه ی عشق به فرزند و مادر و پدر و خواهر و برادر و انسان به معنی عام آن لذت ببرد

پس اگر انسان به خرد والا و... به دنبال آن به لذت والا دست یابد میتواند ابعاد جدیدی از لذت های پایدار و نامحدود را تجربه کند و به زندگی خود رونقی بی مانند ببخشد

انسان در خرد والا است که از محدودده ی "کمیت" میگذرد و به دنیای رنگین و زیبایی "کیفیت" پا میگذارد دنیایی که هر چقدر در آن پرواز کنی باز فضا برای پرواز در اختیار داری و به خورشفت قرمه سبزی و چاوکباب سلطانی و وزن صیغه ای محدود نمی شوی

آنگاه می فهمی و به این درک میرسی که خوشبختی تو با خوشبختی دیگران تکمیل میشود و یک زندگی سرد و خاکستری رنگ در خانه ای بیهوده بزرگ، با بیست اتاق خواب و مرمرها و کاشی کاری های گرانبه لذت بخش نیست بلکه سعادت در این است که در خانه ای به اندازه ی کافی راحت اما آکنده از عشق و مهربانی و صلح زندگی کنی. یعنی از کمیت بگذری و به کیفیت برسی

یعنی از آموزه های زرتشت بزرگوار و خردمند بهره گیری و به زندگی خود معنای تازه ای ببخشی

یعنی پیرو راستین، آگاه و خردمند "پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک" باشی. یعنی انسانی با خرد والا و بدین دلیل است که میتوان گفت

اخلاق فرزند خرداست، خرد والا البته.

درآمدی اجمالی بر علم زبان شناسی

الیناز فرمهبینی فراهانی

جزء علوم پایه و هم سطح با فیزیک، شیمی، ریاضی و غیره به حساب می آید. به طور کلی زبان شناسی را نباید با زبان دانی، تاریخ و تحول زبان ها به ویژه زبان های باستان، آموزش زبان های خارجی، دستور نویسی، فرهنگ نویسی، روش های گرد آوری گویش ها، برنامه ریزی زبان و جز آن ها یکی دانست. حال آن که زبان شناسی، در معنای دقیق آن، هیچ یک از این ها نیست اما صلاحیت برداختن به همه ی این موارد را دارد.



الیناز فرمهبینی فراهانی

- تحصیلات:

- دکترا، زبان -شناسی همگانی، دانشگاه آزاد واحد

علوم و تحقیقات تهران

-کارشناسی ارشد، زبان -شناسی همگانی، دانشگاه

آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران

-کارشناسی، زبان و ادبیات سواحیلی، دانشگاه آزاد

واحد علوم و تحقیقات تهران

- فعالیت-های پژوهشی:

-بررسی عناصر قرصی فارسی در سواحیلی، پایان

نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان-شناسی، دانشگاه

آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران، 1392

-مقاله isi با عنوان:

Guidelines for Identifying Persian Loan

Word In Swahili

چاپ شده در مجله بین-المللی

European Journal of Scientific

Research.2013

-تالیف کتاب با عنوان «تأثیرات زبان- شناختی

فارسی بر زبان و فرهنگ سواحیلی» سفارش سازمان

فرهنگ و ارتباطات اسلامی، در دست چاپ

-ترجمه برخی متون یونسکو :

What is intangible cultural heritage? - موجود

در سایت www.tichct.org

Beyond the dance: a look at Mbende

traditional dance in Zimbabwe - در دست

چاپ در مجله میراث فرهنگی ناملموس تهران

-سوابق شغلی:

کارشناس مسئول پژوهش، مرکز مطالعات منطقه

-ای پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس در آسیای

غربی و مرکزی تحت نظارت یونسکو، 1392 تا 1395

در طول تاریخ فرهنگ و دانش انسان، بررسی زبان همواره به عنوان موضوعی مهم مورد توجه بوده است. زبان از نخستین دوره های تفکر، در میان فرهنگ همه ای اقوام اهمیت ویژه ای داشته است از جمله در هند، چین، یونان، رم و ایران. در دوران کنونی نیز بررسی زبان از دیدگاه های گوناگون، بیش از پیش گسترش یافته و در نتیجه به نوبه ی خود در عمق بخشیدن به دانش انسانی بس موثر بوده است.

زبان و زبان شناسی چیست و جایگاه شان در گستره ی علم کجاست؟ در یک تعریف کلی از زبان شناسی گفته می شود مطالعه ی علمی «زبان» است: **Linguistics is the scientific study of LANGUAGE**. این تعریف آن چنان کلی است که شفافیت خود را در ارتباط با ریز اقسام مطالعاتی از دست داده است پس برای روشن شدن این تعریف ضروری است به این پرسش پاسخ داده شود: منظور ما از زبان چیست؟

واژه هایی هستند که در اصطلاح زبان شناسان دارای ابهام (بیش از یک معنا) هستند، از آن جمله می توان به واژه زبان اشاره کرد:

انگلیسی	فارسی	معنای واژه زبان
Language in general: LANGUAGE	زبان در مفهوم عام: («زبان»)	
Language in particular: Language	زبان در مفهوم خاص: (زبان)	

زبان در مفهوم عام اشاره به آن پیکره ی دانش ناخود آگاه ذهنی دارد که ویژه ی نوع بشر است و با کمک آن انسان ها با هم نوع خود از طریق گفتار ارتباط برقرار می کنند.

زبان در مفهوم خاص نامی است برای نامیدن نظام های ارتباطی طبیعی که بین افراد بشر در سطح جهان رواج دارد، همانند یک برچسب است. پس می توان به طور کلی گفت وقتی می گوئیم: انسان یک زبان دارد منظور زبان عام است و وقتی می گوئیم مثلا کردی یک زبان است، منظور زبان خاص است. زبان شناس به اصطلاح آرمانی، در پی تبیین زبان در مفهوم عام است که در واقع از طریق مطالعه زبان های خاص می تواند به معنای مفهوم عام برسد. از آن جا که تعریف تمام عباری از زبان نزد زبان شناسان، باز هم وجود ندارد، آن ها در پی فهرست کردن ویژگی های زبانی هستند که نهایتاً زبان را اینگونه تعریف می کنند:

زبان نظامی است به غایت پیچیده، فوقالعاده انتزاعی و بی نهایت زایا که ویژه نوع بشر است و به عنوان یک قوه ی ذهنی و یک ابزار ارتباطی در اجتماع انسان ها عمل می کند که حائل میان معنی و آوا است.

یکی از بحث بر انگیز ترین سوالات در زندگی بشر رسیدن به این مهم بوده است که در ابتدای امر، زبان وجود داشته و بعد تفکر به وجود آمده است یا بالعکس؟ در همین رابطه می توان به دو فرضیه زیر اشاره کرد:

- فرضیه نسبیت زبانی = **linguistic relativity**: این فرضیه مدعی است مفاهیم واژگانی در نوع اندیشیدن ما تاثیر می گذارد و قید و بند هایی را بر تفکر ما تحمیل می کند.

- فرضیه زبان اندیشه = **language of thought**: این فرضیه نقطه ی مقابل فرضیه نسبیت زبانی است و مدعی است، اندیشیدن و سخن گفتن اگر چه در پیوند با یکدیگرند ولی به دو سطح باز نمودی متمایز از یکدیگر تعلق دارند. به عبارت دقیق تر، آن گونه که می اندیشیم با آنگونه که سخن می گوئیم تفاوت دارد.

زبان شناسی علمی است که چهار شاخه ی اصلی زیر را بررسی می کند:

الف: نحو = **syntax**: علمی است که به بررسی جمله و ساختار آن می پردازد که چگونه واژه ها و با چه اصول و قاعده ای در کنار هم قرار می گیرند تا ساختاری صحیح را به وجود آورند.

ب: صرف، (ساخت واژه) = **morphology**: علمی است که به بررسی واژه ها و ساختار آن (چگونگی قرار گرفتن واحد های کوچک تر از واژه و تشکیل واحد بزرگ تری به نام واژه) می پردازد و رابطه ی معنا و ساخت را چه درون واژه و چه بین واژه ها در نظر می گیرد.

ج: واج شناسی = **phonology**: مطالعه ی علمی نظام آوایی زبان است که ظهور آوا های گفتار را پردازش می کند. (آوا شناسی = **phonetics** مطالعه علمی آواهاست که محصول زبان است پس به این اعتبار، آوا شناسی بحثی از حوزه های اصلی زبان شناسی نیست اما ضرورت آن در زبان شناسی واضح است چرا که تنها راهی است که دریچه ای به دانش زبانی ذهنی باز می کند).

د: معنی شناسی = **semantics**: علمی است که به مطالعه ی معنای زبانی می پردازد و تلاش در جهت توصیف و تحلیل دانش ذهنی بشر دارد.

شایان ذکر است در تمامی این حوزه ها مکاتب و دیدگاه های متفاوتی وجود دارد که باهم در تعامل می باشند؛ در عین شباهت، در بعضی موارد با هم دارای اختلاف نظر هستند.

از آن جا که زبان شناسی با سایر علوم مانند روان شناسی، علوم کامپیوتر، جامعه شناسی و غیره در تعامل است می توان به شاخه های فرعی نیز در این علم اشاره کرد از جمله: روان شناسی زبان، فلسفه ی زبان، عصب شناسی زبان، جامعه شناسی زبان، رده شناسی زبان، کاربرد شناسی، و غیره. این علم در ایران جزء علوم انسانی محسوب می شود حال آن که در بیشتر کشورهای دیگر

نیاکان ما چطور در برابر حمله تازیان از خودشان مقاومت می‌کردند؟

«اویی» شهر زیرزمینی و شگفت‌انگیز کاشان
سیاوش آریا

چاه و آبراه ی باریک و کوتاه فراهم می‌شده است. موضوع پدافندی و پناه گاه بودن این نمونه مهرازی که در دل زمین پدیدار شده، تاثیر فراوانی بر چگونگی ارایه پلان مهرازی آن گذاشته است. از همین روی دسترسی به این فضاها در ورودی نباید به آسانی انجام می‌گرفته است. همچنین روشنایی این فضاها به وسیله ی پیه سوزهای سفالی بوده و روغن آن‌ها به گمان بسیار از دو «عصارخانه» تاریخی موجود در نوش آباد فراهم می‌شده است. در زمان نا امنی و پناه گرفتن در زیر زمین آب به کار رفته از پایاب ها و کاریزها آماده می‌شده است. به هنگام پناه بردن به زیر شهر سربازی جلوتر از همه چراغ‌ها را روشن می‌کرده و سرباز دیگری هم در پایان صف مردم، آن‌ها را خاموش می‌کرده تا دشمن راه را پیدا نکند، راهروها بسیار تنگ بوده و تنها یک تن (نفر) می‌توانسته در آن‌ها رفت و آمد کند. در برخی جاها نیز، باید به گونه‌ی خمیده و در جاهایی هم باید به گونه‌ی سینه خیز گذر کرد. در بدنه‌ی دیوار اتاق‌ها و در برخی از آن‌ها چاهک‌هایی دیده می‌شود که به سختی می‌توان وارد آن شد. بلندی این چاهک‌ها ۳ تا ۵ متر است که راه پیوند با آشکوب‌های دیگر است. همچنین این چاهک‌ها را به گونه‌ی (□) طراحی کرده‌اند. تا کنون باستان‌شناسان گستردگی این شهر زیر زمینی را چهار کیلومتر برآورد کرده که زمانی تا بیرون دیوار شهر گسترش داشته است.

تاریخ پدیداری و بهره از این شهر زیر زمینی به روزگار پایانی ساسانیان می‌رسد که در روزگار سپسین از سلجوقی تا قاجار مورد بهره بوده است. شهر «اویی» نوش آباد در سال ۱۳۸۵ با شماره‌ی ۱۵۸۱۶ به ثبت ملی رسیده است.

این گزارش در تارنمای امردادنیوز منتشر شده است.

سکوه‌های کوتاهی برای نشستن پدیدار شده است که در برخی اتاق‌ها تبدیل به تاقچه برای جای دادن اشیاء بوده است. داستان پیدایش این شهر نیز، خواندنی است.



کشف سازه‌های دست‌کند به گونه‌ی ناگهانی و از سوی فردی که آهنگ‌کند چاه در خانه‌ی خود را داشته، انجام گرفته و برای ورود به آن، به انگیزه پیدا نشدن ورودی بنیادین، از آب انبار که چسبیده به این شهر است، بهره برده می‌شود. سیستم خنک کردن هوای (تهویه) شهر زیر زمینی نوش آباد از سوی آبراهه‌هایی بوده که در آشکوب نخست و در پهنه‌ی زمین پدیدار شده است. چاه‌های در پیوند با آشکوبه‌ها، افزون بر کارکرد رفت و آمد، انگیزه‌ی گردش هوا در آشکوب‌های پایینی می‌شده است. این کار نیز در مورد چاه‌های کاریز (قنات) انجام می‌گرفته است. دسترسی به این فضاها به انگیزه‌ی جای‌گیری در زیر زمین به وسیله‌ی یک

اگر می‌خواهید بدانید که نیاکان پاک سرشت‌مان چگونه از سرزمین خود در برابر بیگانگان پاسداری کرده و این کشور اهورایی را پاس داشته‌اند، سری به شهر زیر زمینی نوش آباد در ۱۰ کیلومتری شهرستان کاشان بزنید. همان شهر شگفت‌انگیزی که به «اویی» نامدار شده است.

آنچه به نام شهر زیرزمینی «اویی» می‌شناسیم، در واقع ساختارهای انباشته (متراکم)، پیچیده و گسترده‌ای همچون راهروهای سرپوشیده‌ی (دالان) باریک تو در تو و اتاق‌هایی با اندازه‌ی کوچک است. این مجموعه در زیر بافت قدیم شهر پدیدار شده و تا سطح کنونی شهر نیز گسترده شده است. گستردگی این شهر به انگیزه‌ی پیوند میان کوی‌ها و پاسداری از جان و مال مردم در زمان نا امنی بوده و در دو پهنه‌ی ستونی و تراز (عمودی و افقی) گسترش یافته است. این دژ زیر زمینی که در زیر همه



ی شهر گسترده شده و به انگیزه‌ی پهنای فراوانش به شهر زیر زمینی نامدار شده، در واقع یک مهرازی (معماری) دست‌کند است که در سه آشکوب (طبقه) ساخته شده است. آشکوب نخست نزدیک ۴ متری، آشکوب دوم در نزدیکی ۱۴ متری و سوم در ۱۸ متری تراز زمین پدیدار شده است. به جز ورودی اصلی، بلندی همه‌ی بخش‌های «اویی» به اندازه‌ی قد طبیعی یک انسان و میان ۱۷۰ تا ۱۸۰ سانتی‌متر است. بر تراز دیوارها و در بازه‌های (فواصل) اندک، جای پیه سوز به چشم می‌خورد. در برخی بخش‌ها نیز درون دیوار،

۱۷ جولای ۲۰۱۶ برگزار شد و آرا رسیده و یا به صندوق ریخته شده در ساعت یک پسین خوانده شد و فرزندان هوشنگ فرمند - مهرانگیز جم زاده - رستم کسروی - رستم کیومرثی - دکتر علی مکی - بیژن سلامتی و شهریار زمردی انتخاب شدند و هموندان جایگزین منیژه ملک زادگان - مهردخت نمیرانیان و مهرانگیز روانی



میباشند.

- اولین برنامه گروه مدیران دوره بیستم در روز چهارشنبه ۲۰ جولای در مرکز زرتشتیان برگزار شد: دکتر علی مکی رییس - هوشنگ فرمند نایب رییس - رستم کسروی حسابدار و بیژن سلامتی دبیر انتخاب شدند .
- شب نشینی با شکوهی با خواننده خوش آوا و سرشناس (ستار) و گروهی دیگر از هنرمندان در تالار زیبای مروارید گیو همراه با شام و شیرینی و جشن و پایکوبی برگزار گردید. درآمد این جشن برای نوسازی و بهسازی مرکز به کار خواهد رفت .
- سخنرانی فرزانه شاهین نژاد در باره □ دیوار کوتاه موبدان □ با شرکت گروهی از هموندان در مرکز برگزار شد. برای آگاهی از این سخنرانی آموزنده به وب سایت مرکز مراجعه نمایید.

گزارش گزینش گروه مدیران دوره بیستم مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

در روز ۱۸ جون ۲۰۱۶ ، ۳۴۸ نامه به همراه برگه انتخاباتی برای هموندان مرکز فرستاده شد. در روز یکشنبه ۲۶ جون ۲۰۱۶ بین ساعت ۱۱ بامداد تا ۲ پسین جلسه آشنایی با نامزدها برگزار شد. در روز ۱۷ جولای ۲۰۱۶ از ساعت ۱۲ نیمروز شمارش آرا آغاز شد. نتایج شمارش آرا بشرح زیر میباشد:

دکتر علی مکی ۱۴۰ رای

هوشنگ فرمند ۱۳۷ رای

شهریار زمردی ۱۳۱ رای

رستم کیومرثی ۱۱۸ رای

بیژن سلامتی شریف آباد ۱۱۴ رای

مهرانگیز جم زاده ۱۱۲ رای

رستم کسروی ۱۱۰ رای

منیژه ملکزادگان ۸۸ رای

مهردخت نمیرانیان ۸۸ رای

مهرانگیز روانی ۶۱ رای

نتایج آماري گزینش گروه مدیران دوره بیستم بشرح زیر میباشد:

۳۴۸ نامه به همراه برگه گزینش برای رای دهندگان ارسال شد که از این تعداد ۲۱۲ نامه و برگه گزینش توسط گروه گزینش دریافت شد. در روز ۱۷ جولای ۱۰۹۹ رای بر روی ۲۱۲ برگه خوانده شد. بنابراین ۹۲/۶۰٪ از هموندان در این گزینش شرکت کردند.

باسپاس از بانو مهرانگیز جم زاده و فرزانه هوشنگ فرمند برای همیاری در بخش نودادها و در دسترس گذاشتن فتورها:

فهرست کارهای انجام شده در سه ماهه گذشته در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا با یاری گروه مدیران .

- یکشنبه ها برنامه نیایش از سوی موبد اشکان باستانی و همراه با نونهالان کلاسهای مرکز برگزار میشود و سپس در پایان آهنگ اشم وهو و یتا اهو و یرویهو همراه با گیتار شهروز اش و پیانو کورش اش و آوای نونهالان کلاسهای مرکز انجام میشود.

- سخنرانی دکتر Dr. Jose Luis Abreu در باره "Based on the Gathas" برگزار و برنامه با اجرای مانتره اشم وهو و یتا اهو و یرویهو از سوی نونهالان مرکز به پایان رسید.

- بزرگداشت شادروان ارباب رستم گیو از سوی گروه زنهارداران برگزار شد . پس از نهار و اجرای برنامه های هنری از سوی جوانان و نونهالان ، گروه مدیران مرکز شاخه ساندیگو به همراهی تنی چند از هموندان ساندیگو برنامه های سازندگی و جمع آوری پول برای خرید مکانی در آنجا سخن گفتندو پس از آن پروفیسور شهرام قندهاری زاده گزارش کاری و مالی مرکز زرتشتیان شاخه ولی را به آگاهی رساندند.

- پرسه همگانی اورمزد و تیرماه در روز ۱۸ جون با اوستاخوانی موبد آرش کسروی در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برگزار گردید. به روان همه در گذشتگان درود باد.

- سخنرانی فرزانه دکتر فیروز خسرویانی در باره " آیا میدانید که شما و فرزندانتان دانشمند و ریاضیدان زاییده شده اید " در مرکز برگزار شد و سپس آقای موبد رستم ثالث مطالبی از خانم توران بهرامی (شهرداری) در مورد اشوزرتشت خواندند که مورد استقبال باشندگان قرار گرفت .

- در تاریخ ۵ جون ۲۰۱۶ پس از نیایش موبد اشکان باستانی فرزانه بانو یاسمن موندی روانشناس بالینی در باره □ فشار روانی و کنترل آن " سخنرانی نمودند.

- جشن پایان کلاسهای اوستا و فارسی در تاریخ ۱۱ جون برگزار شد و از سوی گروه آموزش بانو رویا امانی آموزگاران را معرفی کردند و توسط آموزگاران به دانش آموختگان گواهینامه داده شد. شهروز اش در مورد " تاریخ ایران و فرهنگ آن صحبت کردند و سپس بانو فرین کسروی گزارش مالی گروه آموزش را به آگاهی رساندند و همچنین به آموزگاران Gift Card اهدا شد.

- نشست آشنایی و پرسش و پاسخ با نامزدهای گردش ۲۰ گروه مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا با شرکت تنی چند از هموندان و پخش زنده آن برگزار شد.

- آقای فریدون کریم از زرتشتیان کردستان عراق در باره کردهای کردستان با اسکایپ بابانو " دریا " از فعالیتهای کردهای زرتشتی کردستان گزارشی به شرکت کنندگان مرکز دادند.

- کمپ تابستانی دو روزه نوجوانان مرکز زرتشتیان کالیفرنیا در ساندیگو برگزار شد. از همه سرپرستان - دست اندرکاران و رایزنان این کمپ سپاسگزاریم . بخشی از هزینه ی این کمپ از سوی تراست روانشاد مروارید گیو پرداخت شد.

- گهنبار چهره میدیوشهم گاه و جشن تیرگان (آبریزان) در روز مهر ایزد و تیرماه در پارک Regional Mile Square برگزار شد. در این روز همچنین مراسم نیایش توسط موبد آرش کسروی و موبد رستم ثالث برگزار گردید.

- در تاریخ ۱۰ جولای ۲۰۱۶ گروه جوانان مرکز و همچنین جوانان سازمان ZAC در مرکز گردهم آمدند تا برای همایش (کنگره) جهانی جوانان زرتشتی که در سال ۲۰۱۹ در کالیفرنیا برگزار خواهد شد و میزبانی آنرا مرکز زرتشتیان کالیفرنیا سرپرستی خواهد کرد برنامه ریزی کنند. این برنامه با همکاری فرزندانگ رستم شیرمردیان و مهر املساد انجام گردید.

- گزیدمان (انتخابات) گروه مدیران دوره بیستم مرکز زرتشتیان کالیفرنیا در تاریخ

با سپاس

گروه گزینش گروه مدیران دوره بیستم: آرمیتا گشتاسیان - کامبوزیا فرهنگی - مهنوش کیانی شهزادی - بهمن کاویانی - منیژه غیبی

- به آگاهی میرسانیم که هفتمین همایش (کنگره) جهانی جوانان زرتشتی در سال ۲۰۱۹ در کالیفرنیا برگزار خواهد شد. مرکز زرتشتیان کالیفرنیا میزبان این همایش میباشد. از همه جوانان زرتشتی درخواست میشود که در گردهم آیی برای پایه گذاری این همایش شرکت کنند.

اوستاخوانی

- ۱- خانم ایراندخت رشیدی برای آفرینگان خوانی برای روانشادان بانو فرنگیس نوشیروانی و جمشید خدامراد رشیدی ۱۰۱ دلار.
- ۲- خانم ژاله یلزاده برای سر سال روانشاد کیخسرو رستم یلزاده ۱۰۱ دلار.
- ۳- خانم ایراندخت انوشیروانی برای سر سال روانشاد ایرج مهربان موبد شاهی ۲۰۰ دلار.
- ۴- خانم پریدخت کامیار برای روزه روانشاد شاهجهان سروش کمدار ۱۰۲ دلار.
- ۵- آقای بیژن شایسته برای سر سل روانشاد اختر خدایار شایسته ۱۰۰ دلار.
- ۶- خانم نیلوفر گیو برای سر سال روانشاد جمشید گیو ۳۰۰ دلار.
- ۷- خانم تبسم کیومرثی برای سر سال روانشاد طهمورث کیومرثی ۱۰۰ دلار.
- ۸- ماهرخ نامداری برای سر سال روانشاد همایون مهربان سروش ۱۰۰ دلار.
- ۹- خانم فریبا پیرغیبی برای اوستاخوانی روانشاد پوراندخت اشیدری ۱۰۰ دلار.
- ۱۰- آقای فرهنگ زین آبادی برای سر سال روانشاد خدارحم بهمرد پوروفاداری زین آباد ۱۰۱ دلار.
- ۱۱- خانم مهوش پارسایی برای سر سال روانشاد خرمن پارسایی ۵۰ دلار.
- ۱۲- خانم شهناز و آقای رستم کرمانی برای سر سال روانشادان همایون بهرام گشواد کرمانی و همایون بهرام مزدایی هورمزدی ۲۰۲ دلار.
- ۱۳- خانم گلبنو عزتی برای سر سال روانشاد بهرام رستم فروغی ۱۰۱ دلار.
- ۱۴- آقای رستم باستانی برای سر سال روانشاد دولت بهمن باستانی ۵۰۰ دلار.
- ۱۵- خانم همایون ایدون سهراب برای سر سال روانشاد مروارید بهمن ایدون ۱۰۱ دلار.
- ۱۶- خانم شهناز پارسا برای سر سال روانشاد سمین اردوبادی آذرگشسب ۱۰۰ دلار.

آیین پرسه

درگذشت روانشاد مهربان اسفندیار برزو پدر هموند گرمی گروه زنهارداران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا آقای داریوش باستانی را به ایشان و همسرشان ریتا باستانی و فرزندان و خانواده های وابسته و دوستان دل آرامی داده شادی روان آن زنده یاد و تندرستی و دیرزیوی بازماندگان را از اهورا مزدا خواستاریم .

آیین پرسه روانشاد فرنگیس بهرام پارسا بانکی در تالار مروارید گیو این مرکز برگزار شد.

درگذشت این روانشاد را به همسر ایشان آقای موبد دکتر شهریار بانکی و فرزندان : مهرداد - مهریار و بهرام بانکی و خانواده های وابسته و دوستان و آشنایان دل آرامی داده ، شادی روان آن زنده یاد و تندرستی و دیرزیوی بازماندگان را از اهورامزدا خواستاریم .

دهشندان :

- ۱- خانم نپتون نیک انجام ۱۰۰ دلار.
- ۲- خانم مهری مزدایی سروشیان بنامگانه روانشاد هرمزد سروشیان برای یارانه



آگهی:

به آگاهی میرسانیم کلاسهای آموزش موسیقی برای کودکان و بزرگسالان (دف - پیانو - گیتار - سه تار و تنبک) در مرکز دانشجویی پذیرد . برای نامنویسی و آگاهی بیشتر به مرکز زنگ بزنید.

- به یک داوخواه (داوطلب) برای کارهای دفتری مرکز نیازمندیم . از همکیشانی که دوست دارند این مرکز را یاری دهند درخواست میشود درخواستنامه خود را به bod@czc.org ایمیل نمایند.

- چهره نما آگهی میپذیرد. برای آگاهی بیشتر به مرکز به شماره ۸۹۳-۴۷۳۷(۷۱۴) تلفن و یا به bod@czc.org

ایمیل بفرستید.

- به آگاهی میرسانیم که بزرگداشت روانشاد ارباب رستم گیو هر ساله در روز یکشنبه هفته دوم ماه می برگزار خواهد شد.

- مرکز زرتشتیان کالیفرنیا بر آنست که برای صرفه جویی در مخارج برق ساختمان مرکز از سیستمهای پیشرفته سولار استفاده کند. از تمامی همکیشان درخواست میشود که با دهش خود ما را در این کار مهم یاری دهند.

- از همه هموندان درخواست میشود که هموندی خود را برای سال ۲۰۱۶ نو نمایند.

- آموزشی ۴ دانشجوی زرتشتی ۴۰۰۰ دلار.
- ۳- خانم فرنگیس و آقای موبد دکتر شهیار بانکی ۵۰۰ دلار.
- ۴- خانم گلرخ و آقای هوشنگ سیروسی ۳۰۰ دلار.
- ۵- تراست روانشاد مروارید گیو برای کمک به چاپ چهره نما ۸۰۰ دلار.
- ۶- تراست روانشاد مروارید گیو برای کمک به برگزاری کمپ دوروزه نوجوانان زرتشتی ۲۵۰۰ دلار.
- ۷- آقای رستم شیرمردیان بنامگانه و بمناسبت سر سال مادرشان روانشاد مروارید جمشید پور شریف آباد ۵۰۰ دلار.
- ۸- دهشمند ۱۰۰ دلار.
- ۹- دهشمند ۱۵۰ دلار.
- ۱۰- دهشمند ۵۰ دلار.
- ۱۱- خانم میترا جاویدان مزدیسنی ۱۵۱ دلار.
- ۱۲- خانم فرزانه و آقای مهران مهر فر ۱۰۰ دلار.
- ۱۳- آقای دکتر بابک آبادی ۱۰۰۰ دلار.
- ۱۴- خانم ترانه غیبی ۳۰۰ دلار.
- ۱۵- بانو خانم شهزادی ۵۰۰ دلار.
- ۱۶- خانم پریدخت ماونداد زرتشتی بنامگانه و بمناسبت سر سال روانشاد موبد مهران جمشید زرتشتی ۱۰۰۰ دلار.
- ۱۷- خانم مهوش کوشکی ۱۰۱ دلار.
- ۱۸- خانم مهتاب و آقای اشکان ذهبی ۵۰۰ دلار.
- ۱۹- خانم ژانت آذر و آقای داریوش فرجودی ۱۰۰۰ دلار.
- آقای الوند کیومرثی ۵۰ دلار.
- آقای عباس واثقی ۲۰۰ دلار.
- خانم ترتیبی پور بهرامی ۵۰ دلار.
- خانم آرمینا ورجاوند ۱۵۰ دلار.
- آقای کامران کابلی زاده ۱۰۰ دلار.
- خانم افسانه آبیاری و آقای رستم باستانی یک دستگاه کی بورد یاماها و صندلی آن برای تمرین کلاسهای مرکز.
- خانم فرزانه و آقای مهران مهر فر یک دستگاه سبزی خوردکن به مرکز دهش نمودند.
- خانم الیکا و آقای دکتر رشید کمدار یک دستگاه Baby Changing Station برای دستشویی مرکز.
- فرزندگان زیربه جای آوردن گل به پرسه روانشاد فرنگیس بهرام پارسی بانکی بنامگانه ایشان به مرکز دهش نمودند:
- خانم ساغر جوانشیر ۵۰ دلار.
- آقای اردشیر باغخانیان ۵۱ دلار.
- دهشمند ۸۰ دلار
- دهشمند ۱۰۱ دلار.



- خانم افسانه و آقای رشید مهین ۲۰۰ دلار.
- خانم پریدخت و آقای خسرو ضیائبری ۱۰۱ دلار.
- خانم فریبا آذری ۱۰۱ دلار.
- خانم میترا جاویدان و آقای مهران مزدیسنی ۱۰۱ دلار.
- آقای گشتاسب همسایه ۱۰۱ دلار.
- خانم هما و آقای دکتر کیخسرو کاووسی ۲۰۰۰ دلار.
- خانم بهناز شهزادی و آقای فردوس ایرانی ۵۱ دلار.
- خانم پریدخت ماونداد زرتشتی ۱۰۰ دلار.

بانو فرشته یزدانی خطیبی و فرزندان آرتیمس - پارمیس و نیکان خطیبی و برادرشان آقای شاهرام یزدانی بیوکی ۱۵۰۰۰ دلار برای یارانه آموزشی بنامگانه روانشاد دکتر هوشنگ خطیبی برای پرداخت به پانزده دانشجوی زرتشتی به مرکز دهش نمودند.

برگزاری کمپ نوجوانان زرتشتی زیر پوشش مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

میترا دینیاری

هممازوریم هممازور هما اشو بییم این یکی از زیباترین و آموزنده ترین سرودهای اوستاست که بر پایه ی همکاری و همیاری گفته شده . در همین راستا خوشبختانه چندی پیش نخستین کمپ تابستانی نوجوانان زرتشتی زیر پوشش مرکز زرتشتیان کالیفرنیا و به سرپرستی آموزگاران کلاس فلسفه ی گاتهای مرکز برگزار گردید. بانو ماندانا پیشدادی به هممازوری و هما اشویی بانوان فریبا پیرغیبی و میترا دینیاری با برنامه ریزی و دوراندیشی ، با مهر و ایمان بسیار به نوجوانان زرتشتی و با کوشش



بیدریغانه ی دیگر بهدینان این کمپ شادی آفرین را برگزار کردند. آموزش بنیادی گاتها ، آفرینش شادی و دوستیهای تازه در محیطی دوستانه آرمان این گردهم آبی بود.

با سپاس بسیار از ۶ تن داوطلب جوانان : پیام گشتاسبی - منیژه محمودزاده - خدایار گشتاسبی - آرمان مزدیسنی - وستا گشتاسبی و سارا کسروی که با گروه گردانندگان همکاری کردند. همچنین از آقایان فرشید نمیرانیان - فردوس ایرانی و بانو پریچهر نمیرانیان که چون فرزندان خود از ۴۶ تن نوجوان بهدین پذیرایی کردند. بشود تا این کمپ آغازی برای همایشهای بهتر و بیشتری در آینده نزدیک باشد. ایدون باد - ایدون ترح باد

گزارش کمپ سن حوزہ

ایرج جهانیان

کمپ ۲۰۱۶ سن حوزہ در مهر روان شادان رستم و مروارید گیو با شرکت تعدادی از نوجوانان و جوانان زرتشتی برگزار گردید. هدف از برگزاری این کمپ آشنایی شرکت کنندگان باهم و آشنا کردن آنها با دین زرتشتی شامل آموزه های فلسفه

زیبت بخش این برنامه اجرای چند رقص زیبا توسط افراد زیر بود:

۱. رقص بچه های کلاس دینی توسط تیارا فرامرزی، نایریکا بلندی، نیکتا خانبدر، افروز خسروایانی، آترا سبحایی، نیوشا و کیمیا پورده موبد
 ۲. رقص دو نفره توسط نیوشا و کیمیا پورده موبد
 ۳. رقص تک نفره توسط پردیس غیبی
- یکبار دیگر نویسته کشتیان، همبستگی خویش را با یکدیگر و دیگر بهدینان اعلام داشتند و اقدام به بردن کیک بسیار زیبایی که توسط خانم شیرین ايسدواستر طراحی شده بود، نمودند.

در این مراسم، از کلیه باشندگان با چای و شیرینی، میوه و عصرانه پذیرایی گردید و با برنامه رقص به پایان رسید.

دهشندان در مهر لس آنجلس

- خانم پری گویو ۱۰۰ دلار
- آقای مک کریمی ۶۰ دلار
- خانم مهری گشتاسبی ۵۰ دلار
- یک خیراندیش ۱۰۰ دلار
- خانم پریمرز فیروزگر ۵۰ دلار
- خانم پریش فولادپور (سروش) ۱۰۱ دلار برای سال روانشاد داریوش

اشوزرتشت مانند پیروی هر فردی از وهومن خویش، همراه با آشنایی آنان با مراسم و سنن زرتشتی مانند مراسم سدره پوشی و گهنبار و غیره و از جنبه اجتماعی نشان دادن برآورد قدرت و اتکا به نفس از بهر همبستگی. تلاش بر این بود که با همبستگی و ایجاد لحظاتی شاد به آنان یاد آور شویم که با استفاده از وهومن (قوه تمیز خوب از بد) خویش و همبستگی با یکدیگر می توان زندگی پر بار و مملو از کارهای شایسته داشت، و اینکه هر یک از آنان به مانند دانه ای هستند که می توانند در آینده انتقال دهنده آموزه های زرتشت باشند.

دروود و سپاس فراوان برگزار کنندگان این همایش به خانواده هایی که فرزندان خود را به این کمپ فرستادند و پشتوانه ما هستند و درود سپاس افزون ما به باورانی که ما را در برگزاری این همایش یاری رساندند.

جشن سدره پوشی گروهی ۲۰۱۶ در سن خوزه

خشنوتره اهورهه مزدا،
مزده یسنو اهمی مزده یسنو زرتشترش
باور دارم و استوارم به کیش مزدیسنی که آورده زرتشت است.

در شهر سن خوزه و در پسین شنبه ۲۵ ماه ژون، برابر با دی به آذر ایزد و تیر ماه، آیین سدره پوشی گروهی برای پنج تن از نوجوانان عزیز به کوشش خانواده های آنها و همکاری انجمن زرتشتیان شمال کالیفرنیا برگزار شد.
آیین سدره پوشی و آراستن جامه نیک اندیشی پنج تن از نوجوانان زرتشتی به کوشش دست اندر کاران، در شهر سن خوزه در المدن کامیونیتی سنتر برگزار گردید و جمعیت کثیری از دوستان و همکیشان حضور بهم رساندند.

هیرید آرش کسروی خواندن اوستای کشتی و پیمان دین را جهت سدره پوش کردن نوجوانان زیر (از راست به چپ) آغاز کرد:

۱. آراد کامکار پور آرتابانو و خشوری و کورش کامکار
۲. سیروس زمردی پور سیما خورشیدیان و کامبیز زمردی
۳. رستم و خشوری پور کتی زمردی و کورش و خشوری
۴. رایان و خشوری پور کتی زمردی و کورش و خشوری
۵. آریا زمردی پور سیما خورشیدیان و کامبیز زمردی

در ابتدای این مراسم، تعدادی از نونهالان به اسامی تیارا فرامرزی، نایریکا بلندی، آترا سبحایی، رژان فارسی نژاد و کیمیا پورده موبد، با پوشش زیبای محلی (مکنا)، با آینه و گلاب و نقل به باشندگان خیر مقدم گفتند.

در این مراسم، نوجوانان عزیز آقای فرید پورده موبد، لیا بهرامی پوره کامران ستوده، و مهدیس غیبی مجریان این برنامه بودند.

پس از پایان اوستا، سخنرانی کوتاهی توسط هر یک از نویسته کشتیان در خصوص دلیل پذیرش دین مزدیسنی ارائه گردید.

خانم نوشین ايسدواستر، آموزگار کلاس اوستا و یکی از برگزار کنندگان اصلی این مراسم، ضمن تبریک به نویسته کشتیان، از این نوجوانان و خانواده های آنها به جهت حمایت از برگزاری این مراسم زیبا، تشکر و قدردانی کرد. او در سخنرانی خویش، مردم جامعه را تشویق به پذیرش افراد غیر زرتشتی علاقه مند به این دین و حضور آنها در جشنها و مراسم مذهبی نموده تا همچون پیامبر اشوزرتشت مهراستیمان، که هیچگاه افراد علاقه مند را از پیروی اصول دین زرتشتی منع ننموده است. در ادامه، او گزارشی از روند پیشرفت برنامه ریزی مرکز آینه زرتشتیان شمال کالیفرنیا ارائه نمود.

خانم دلبر جهانیان، فرنشین انجمن هیجدهم زرتشتیان شمال کالیفرنیا، به نویسته کشتیان تبریک گفت. همچنین، نماینده ای از طرف معلمان کلاس دینی، هدیه ای



با مدیریت آرین اقبالی



The Credit Repair Specialist



برای ترمیم ، تصحیح و بهبود کردیت و کاهش بدهی با ما تماس بگیرید.

- Late payment
- Collection
- Charge off
- Bankruptcy
- Foreclosure
- Chexsystem
- Judgement
- Tax lien
- Repossession
- Inquiries



مشاوره رایگان
www.enrichfin.com

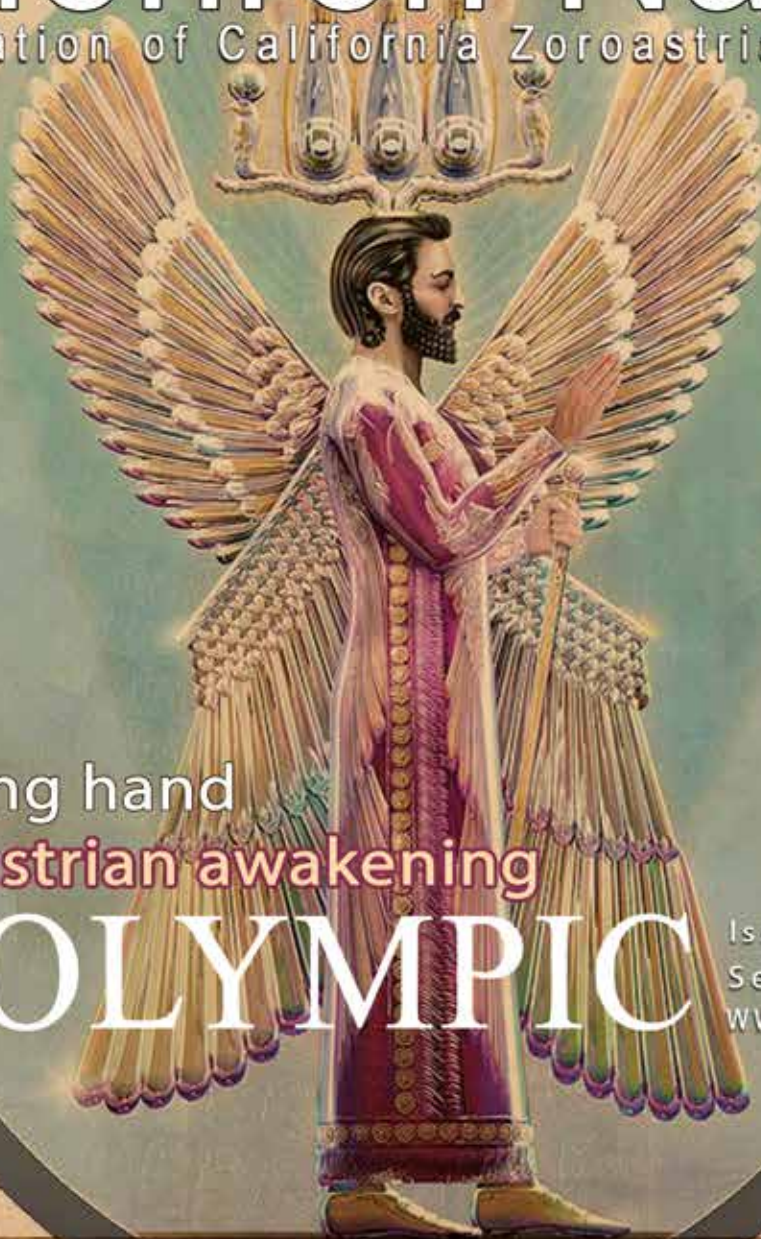
800-790-4240

California Zoroastriann Center
8952Hazard ave
Westminster , Ca 92683

Non-profit Org
U.S. Postage
PAID
Permit No. 12300
Huntington Beach, CA 92647

Chehreh Nama

Publication of California Zoroastrian Center



Helping hand
Zoroastrian awakening

Z-OLYMPIC



Issue No. 179
September 2016
WWW.czcjournal.org

Editor's note :

I truly believe Zoroastrian future is in the hands of our next generation and it warms my heart to see many of young people have become passionate about the message of Zarathushtra. We witness this in essays written in this issue by 11-12 year old students of CZC-LA religious classes.

California had a busy summer being the site for two Zoroastrian youth camps this summer. One in Northern (Z-camp) and one in Southern (CZCamp) region, gathering a total of over 100 youth combined between the ages of 13 and 20. Chehrenama thanks and congratulates the organizers of both camps as this is no easy feat. It takes a lot of dedication and determination to organize these events and I hope to one day see us expand these camps across North America. With Vohuman and hamazoori our small community can flourish in creating special bonds for our next generation.

Chicago hosted the Z-Olympics this year and did a phenomenal job as one youth reported for us. Sports and friendly competition can be a great venue to spark an interest in our youth about Zarathushtra's timeless message and once you have enticed them to meet and greet in a fun atmosphere the rest will fall in place. These youngsters are the legacy, the bearer of the universal message and the next generation teachers. It is crucial that we show them the light, because once they have seen it and sensed it they will be hooked for life.

*Ushta,
Fariba*

Graphic Designer
Kevin Yektahi

Awarded for best director and best movie in Iran animation festival (2010)

- * Business Cards & Logo Design
- * Letter Heads & Brochure Design
- * Photographer
- * Emailer Design or Banner Design

Email: kevinyektahi@gmail.com Tel: 949 2787675
Web Site: keikhosroart.wix.com/kaynew



California Zoroastrian Center
8952 Hazard Ave Westminster, CA 92683
Chehrenama's Email :
cninfo@czcjournal.org
Tel : (714)893-4737
Fax: (866)741-2365
czc publication's website :
www.czcjournal.org



You can now donate online to any czcpublication go to :
www.czcjournal.org and the bottom of the page you will see following
please consider donating to chehretnama

Thank you
CZC will send you IRS accepted receipt for any amount of donation

Graphic Design & typesetting :
Kevin Yektahi
Internet :
Ramin Shahriari

Editorial Policy :

The opinions expressed in articles we publish are those of the authors , and may or may not represent the views of the Editorial Board of Chehretnama, or the Board of Directions of CZC
Chehrenama is a quarterly publication published in March, June, September and December

This publication is printed with the help of donation from Morvarid Guiv Trust

CZC-LA Youth Classes

Introduction to Gatha is among one of Zartoshti Studies classes offered at CZC-LA. This class gives students an introduction to different concepts in the Gatha, in addition to familiarizing them with Persian culture and history. The class consisted of 14 students in 2015-16 school year, ranging from 4th to 6th grade. We had four 6th graders moving on to the next class which includes 7th graders and above. Each of these four students chose a subject that reflects teachings from the Gatha and related it to our world today.

These four students are Mehrnaz Bastani, Mantra Roointan, Sheida Shadfar, and Arya Shahrokh. We would like to share with you their thought stimulating presentations.

Artemis Javanshir



It is cool to be a Zoroastrian

By: Arya Shahrokh

Since I have learned more about Zoroastrianism, I have become even happier with my culture and religion. Did you know that in the Gathas, which was Zartosht's own words,

3,700 years ago, he talks about the equality between men and women that all cultures should follow.

Did you know that if you want to be a righteous Zoroastrian, you have to have good thoughts, good words, and good deeds?

By following these three simple rules, you can prove to yourself and others that you are a righteous person because you have done acts of goodness. What other religion is so simple to follow?

Ask yourself, how many other religions put so much emphasis on the freedom of choice, and the freedom to make good decisions?

Zoroastrianism is not a fear-based religion; rather, it is a religion whose followers are rewarded with righteousness from their good deeds. I am so lucky to be able to practice a religion that helps me be good without fear of being bad. Another cool thing about my religion is that it would apply with a great benefit to today's society than it ever has before - which means it is an adaptable religion. Our world could benefit more from following Zartosht's teachings.

Our current presidential election is being conducted completely contrary to the Gathas. Imagine the candidates and the parties following the three simple instructions of good thoughts, good words, and good deeds.

These rules could also apply to the conflicts in the Middle-East and the rest of the world. Imagine all religions following Zartosht's teachings about mutual kindness and equality.

But the world is not Zoroastrian. I will do my best to follow these rules and teach those who would like to learn why the Gathas are important to us all, and why the message should be passed on to others through good thoughts, good words, and good deeds.

If we all choose to follow the path of Asha, others will learn just by observing us and the message can be passed on outside our faith, and maybe, over time, the world will become a better place.

Thank you to my teachers for helping me be a better Zoroastrian.



My name is Arya Kaikhosrow Shahrokh. I am 11 years old and will be starting 7th grade at Portola middle school in August. I live with my parents, 2 brothers and little sister in Encino California. I am the oldest of my siblings. I have been attending the Z classes since I was in kindergarten. I have made great friends at the Z classes and look forward to being in the teen classes next year

Concepts of Zoroastrianism

By: Sheida Shadfar

I am proud to call myself a Zoroastrian. What I like and am proud of most is the fact that we have freedom of choice, which most other religions don't contain. "Listen with your ears the highest truth, consider it with an open mind carefully and decide each man and woman personally between the two paths, good and evil," Gathas Yasna 30, verse 2. I think Ashu Zartosht meant that we should consider other people's opinions and then choose ourselves between the paths of good or evil. This effects mankind today because we feel happy, have a sense of satisfaction, and opportunity.

Another concept that is essential to bring up is that in our religion any race, nationality, or background is welcomed, respected, and equal. But through progressive mentality (sepanta mainyu) we can choose our actions and decisions, good or bad, and base others on the two aforementioned concepts. Take looking at each other from a different perspective. If people use progressive mentality to judge and look at people then we would get to discover the real person behind the race, nationality, or background. Then we can decide based on their personality. Many shootings have occurred in the US because of race, but our religion speaks nothing of this prejudice.

The final concept to mention is that our religions full of joy and progression. Our religion includes guidance to Asha. Asha means righteousness. In Khordah Avesta part 1 it states: Righteousness (Asha) is the best of all good: it is also happiness. Happy the man who is right with perfect righteousness Zartosht send a message. This message is that there is only one path to happiness and it is the path of Asha. We don't have to worry about our afterlife. Instead, Zartosht suggests that we live for this life and strive to make it a better world for all. Of course, we get to choose if we want to follow Asha and be righteous. But if we don't follow the path of Asha, choose progression, or growth we will feel regret and isolated with ourselves.



My name is Sheida Shadfar. I'm 12 and will be in 7th grade. My hobbies are playing guitar and ice skating. I live with my parents and five year-old brother. I'm not positive what I want to do in my future, but I might become a history teacher. Last but not least, I am a proud Zoroastrian. I've been going to these classes since first grade, when we didn't have a mabed and classes were held at a high school.

Asha

By: Mantra Roointan

What does Asha mean, and how it is important in Zoroastrianism? The Avestan word Asha means eternal law and order. Asha can mean many things but cannot be described by only one word; you need a constellation of words to translate it like righteousness, law, cosmic order, truth, and justice. But what really is Asha, as the Prophet Zarathustra conceived of it in his Gathas?

Asha is first of all truth and encompasses all clear and objective vision, honesty and unclouded thoughts, words, and deeds. Then it is righteousness that involves good actions that build our society and lead us to health, peace, harmony, and good will. Asha is also law, not as a set of commandments, but laws that rule our lives and the universe.

In Zoroastrianism, Ahura Mazda is not a God that will suspend the law of reality in order to make a point or to help someone. In Gatha there are no miracles or supernatural phenomenon, it is all reality. God set up these laws and he will not break them. Thus the law of Asha describes what actually happens, not what should happen. If you throw a rock in the air it will fall to the ground; that is the law of gravity and also Asha.

Asha can also be a law of consequences too, like when you don't study for a test and fail on it. In our world, we should praise Asha to put ourselves in harmony with cosmic order, and to commit ourselves to the search for truth in our spiritual, moral, and work life. Asha exists within us, as it does in everyone. Every time we do a righteous deed, no matter how big or small, we are all bringing ourselves closer to God through Asha.



I am Mantra Roointan, I am 12 years old and attend Wilson Middle School. I was born in Iran where Zoroastrianism thrived. Writing this article helped me understand more about Zoroastrianism and Asha. As I was researching, I became more curious and proud about my religion. It is an honor to have my article in this magazine and also I would like to thank my teacher for making these opportunities possible for me.

Zartoshti Religion

By: Mehrnaz Bastani

The Zartoshti religion is a very important part of my life and it means a lot to me. This is one of the oldest religions in the world. Our prophet Asho Zartosht wrote about it in the Gathas 3754 years ago. He mentioned 3 great things to live by which is good thoughts, good word and good deeds. These are things that will help you get through life and even if you get away with something don't think you will not feel guilt later.

Zartosht explained in the Gathas how everyone has free will to choose their own path. We have our own mind and we are given a chance to use it. We could choose what religion we want and other people wouldn't judge us. We don't kill, criticize, or say you're going to hell just because you're doing the action that you think is right. Some religions you lose your life for doing a simple thing such as changing you religion.

In addition there is no difference between man and woman. We are equals. Whenever Asho Zartosht refers to us in Gatha he says man and woman. We all stand together so why say we aren't the same? Why does one person think they are better than the other? Why some think fighting is the solution to everything?

Today everyone says how wonderful and free the U.S is because woman can vote, work, and go to school. We have e freedom in religion to choose what believe is the best thing to do. However, 3754 years ago we already had these sorts of freedom. For all these years we were able to keep our religion alive.

Be donya bas hamin yek etekharam
Ke yek irani vallah tabaram

Be khone del zeyam zen zeest shadam

Ke zartoshti bovad khon o nejadam

I am proud of what I am and it is a Zartoshti.



Mehrnaz Bastani . was born in Tehran, Iran on June 15, 2004. She moved to USA when she was four. It was a struggle for her to learn a new language at a very young age but she succeeded and was accepted to a magnet program where she currently attends at Nobel Charter Middle School. She has been attending Zoroastrian classes from age 5. One of her talents is swimming and she takes synchronized swimming classes.

2016 Z Camp- San Jose

By: Iraj Jahanian and Family

Z Camp 2016 was held at San Jose Darb-e-Mehr from Thursday through Sunday noon. July 28- July 31.

We had a nice group of counselors who were able to work together like a well-oiled machine. We are thankful and proud of every single one of them. They took time off from work and school to plan and organize the activities for the campers aged 13-18.

The campers were divided into four teams. They competed in sports, participated on projects and developed skits together. The teams were a great way for them to make new friends and learn to work together.

This year our theme for the philosophical aspect of Zoroastrianism was Vohuman, the individual ability to make the right choice. For the traditional part, we went over the Sedrepooshi and the communal Gahanbar. The campers had hands on experience mixing the Lork, chopping and mixing the Aush and finally frying and making Syroug.

As Social part of the program every year we introduce the Idea of BARSAM representative of strength through hambastegy, unity. The rest was about having fun, drinking lots of liquid and eating well.

Our thanks to the parents, campers and counselors that honored us with their vojood, participation. www.zcamp.info



The article below has been sourced from "The Tower" Magazine with editor's permission; the author has revised this for Chehrena. For original article see: <http://www.thetower.org/article/the-religion-that-the-iranian-mullahs-fear-most-zoroastrianism/>

In Iran, A Zoroastrian Awakening Stirs

By: Zenobia Rajvi

AsksomeoneabouttheZoroastrianreligionand—assuming they've heard of it — you will typically get three responses. Your interlocutor might inaccurately describe followers of the Zoroastrian faith as "fire-worshippers." He or she may recognize Zoroaster, the priest who founded the religion, as the protagonist of the German philosopher Friedrich Nietzsche's classic work, "Thus Spoke Zarathustra." Finally,



there's the oft-quoted "fun fact" that the late Freddie Mercury, the flamboyant vocalist of rock group Queen, was and still is the world's most famous Zoroastrian.

Much less well-known is that Zoroastrianism is a living faith, with communities in India, Europe, the United States and the Middle East — especially Iran. Ten years ago, a study by the Federation of Zoroastrian Associations of America concluded that there were, at most, 190,000 followers of the faith around the world. However, as Laurie Goodstein noted in the New York Times at the time, there was reason to be skeptical of this number because of the "wildly diverging counts in Iran, once known as Persia — the incubator of the faith."

In common with other religions, Zoroastrians in Iran have confronted both persecution and a concerted attempt by the Islamist regime in Tehran to destroy the very foundations of their faith. One critical consequence of

this — no doubt unintended by the rulling mullahs — is that growing numbers of Iranians inside and outside the country are exploring a faith that crystallized two millennia before the Prophet Muhammed appeared on the scene. "Converting back" to Zoroastrianism, as many refer to the process of rediscovering their roots, has encouraged a view of Islam as an alien, Arab faith that was imposed on the unwilling Persians during the Muslim conquest of the seventh century.

For most of his childhood in pre-revolutionary Iran, Dr. Ali M. (he withholds his full name out of concern for family members still living in the country) heard virtually nothing about his family's religious heritage. But when Ayatollah Khomeini seized power following the 1979 revolution that overthrew the Shah, Ali's family left for Germany. Experiencing a foreign culture for the first time, Ali, who now works as a physician in southern California, began to ask questions about his background. "When I lived in Germany, I was going through my teenage years. I tried to find out who I am and what was going on around me in a world of chaos and displacement," he explained.

Ali began asking his parents about their religious heritage and ancient roots. That's when he found out through conversations with his mother that his grandfather's family was descended from the Zoroastrian priestly lineage.

Anxious to acquire more knowledge about his hidden faith, Ali began studying Zoroastrian teachings. He learned about the three principles propagated by Zoroaster/Zarathushtra: Humata, Hukhta, and Hvarshta, "Good Thoughts, Good Words, and Good Deeds" in Avestan, an ancient Iranian language. He learned too that the fire which plays such a central role in Zoroastrian religious ceremonies represents the divine light of wisdom.

In the seventh century, Arab tribes armed with the Quran patched together the former territories of the Sassanian Empire, the last pre-Islamic Persian dynasty, forcing the conquered population to adopt Islam. As a result, some Zoroastrians fled Iran for lands as varied as China, India, and the Balkans. But many stayed behind, resisting the Arabs for 200 years, in what some call "The First Arab Occupation."

"Students were taught that Zoroastrian priests and the Sassanians were barbarians, and that the Arabs had to come in to 'civilize the people,'" said Dinyar, a Zoroastrian historian who travels regularly to Iran, and therefore uses a pseudonym.

Despite continued persecution, Zoroastrians continued to resist conversion. By the fifteenth century, a sizeable portion of the population of Iran still remained Zoroastrian, especially in the northern provinces of Gilan and Mazandaran. Their continuing presence raised concerns among the Muslim clergy that others might probe their roots and family backgrounds and leave Islam.

"Those who did not convert had to pay *jizya*, the infidel tax," explained Dr. Daryoush Jahanian, a leading Zoroastrian scholar. "If they could not afford the tax, they were subjected to torture, confiscation of property and even threats to their life."

Another humiliation imposed on the Zoroastrians, along with other religious minorities, was a law compelling them to wear a yellow patch on their clothing to mark them out



– a badge of inferiority that the Jews of Europe were all too familiar with. Many Zoroastrians were shepherded into ghettos known as *gavrestan*. "In Persian, that word is reminiscent of 'Goorestan' or cemetery," Dr. Jahanian added. "In this hostile environment Zoroastrians were even blamed for natural disasters such as earthquakes and floods."

Iranian scholars point to 1979 as the year that reignited the innate curiosity of many Iranians regarding their roots and origin. After the Islamist revolution, Iran became estranged from the Shah's western allies, forcing ordinary Iranians to examine their national and spiritual identities.

The revolution dislodged the Pahlavi dynasty, founded by Reza Shah Pahlavi in 1925, who was then succeeded by his son, Mohammad Reza Shah Pahlavi. The Pahlavis combined brutal authoritarianism with secularism and an embrace of western norms and customs. For the

Zoroastrians, this meant recognition of their faith and even the official adoption of some of their traditions, like Nowruz, the Iranian New Year, and the celebration of the spring equinox.

In the early 1970s, the Shah encouraged the return of Zoroastrians known as Parsis who had been living in India for centuries. Iran's Prime Minister, Asadollah Alam, met with several Parsi businessmen who were urged to invest in Iran. Many Parsis did just that, including a significant number who relocated to Iran.

Dr. Ali M. recalled this period before the revolution. "In the 1970s, ancient Iranian stuff was really in and cool," he said. "People wanted to connect to that – especially educated people, who thought Islam was more of a regressive factor in Iranian culture. That's still a very strongly held belief, especially among the younger generation, hence the animosity and misplaced anger toward Arabs and Arab culture."

Once Khomeini was in power, the tentative revival of Zoroastrianism in Iran was suddenly halted, and Zoroastrians started to flee the country. In the main Zoroastrian temple in Tehran, the portrait of Zoroaster was replaced with a portrait of Khomeini. As far as Khomeini himself was concerned, Zoroastrians were "dishonorable, fire-worshipping knaves."

As Dr. Jahanian pointed out, scholars of Zoroastrian and ancient Iranian studies were effectively criminalized after 1979. "Many suffered physical, psychological and financial punishments," Jahanian said. "Some were arrested, jailed and beaten. Others lost their jobs and even suffered the loss of a dear one."

Furthermore, Zoroastrians, including other religious minorities, were by law prohibited from holding senior government or military positions and were discriminated against in the legal system. This included receiving more severe punishments than Muslims and receiving lower settlements in lawsuits. Today, Zoroastrians are still subjected to apartheid-like legislation, such as a restriction on printing more than 3,000 copies of any religious text and a regulation that the principals of Zoroastrian schools must be Muslims.

Even so, many Zoroastrians have clung stubbornly to their beliefs and practices, even performing conversions in private. Those who fled abroad experienced a similar awakening.

"I felt that I had found my identity," said Shahrooz Ash, born in Tehran to secular Muslim parents who immigrated to England. "I felt I had returned home to who I really was, to my roots. A lifelong search of who I was and where I came from had finally reached its destination."

Ash has not returned to Iran since the revolution. After his time in England he came to America, where he studied philosophy at UCLA. An encounter with a philosophy professor, who asked him about pre-Islamic Iran, a subject about which he knew almost nothing, spurred him on to further study. "I was ashamed that I did not know my own roots, the glory and powerful ancient people I came from," he said.

Ash said that his true identity, like many Iranians, had been overwhelmed by the impact of the Islamist revolution. "Iranians are," he said, "conflicted between these two identities, between being Iranian and being Muslim."

Dr. Daryoush Jahanian describes the arrival of the internet as a "miracle" because of its role in the Zoroastrian awakening – just one of myriad reasons why the Iranian regime exercises such strict control over its own sphere of cyberspace.



Photo by Nima Farid Mojtabedi
www.v6rg.com

Among the leaders of this information revolution is Dr. Shahin Nezhad, an academic who specializes in ancient Iran. Nezhad and a group of scholars and cultural activists are the founders of the Persian Renaissance Foundation, the main backer of the Iranian Renaissance Movement (IRM), which produces content aimed specifically at audiences in Iran.

Nezhad does foresee "an Iranian" Iran with a significant Zoroastrian population, which, he believes, will pacify the region, reducing tensions between the other nations and people.

"There is no state where Zoroastrians feel at home," he argued. "Iran has to be their state, their stronghold, their center of attention and interest. And perhaps Iran can be the defender of the rights of Zoroastrians all around the world."

Nezhad believes that a cultural revolution from within will gradually degrade the foundation of the current Islamist system of government. "Rather than going 180 degrees and opposing the establishment, we try to oppose them by awakening people to their real heritage and real identity, rather than what they are told by the current system," he said. "Therefore, for time being, at least until we figure out something else, our strategy is education, education, education."

The determination of Iranians to use the very online tools that the regime has actively tried to close down is a powerful signal that this learning process is finally underway. Scholars like Jahanian and Nezhad say that there are currently 25,000 open Zoroastrians in Iran, with a further 100,000 who are formally registered as Muslims but practice Zoroastrianism. This, they say, is the cusp of a broader awareness among Iranians that their pre-Islamic past provides the grounding for a post-Islamist future in which all religions will coexist in equality.



Zenobia is a reporter based in New York City. She is also the Associate Director of the Department of Coalitions at the Israel Project, where she dedicates her time to protecting the rights of religious and ethnic minorities in regions around the world, particularly the Middle East.

2016 Group Sedreh Pooshi Ceremony in San Jose

Khshna-otra Ahu-rahé Mazdâ,
Mazda-yasnu ahmi Mazda-yasnu Zara-tush-tresh
I believe the Mazdiyasnî religion that was brought by Zarthosht.

In San Jose on Saturday June 25, 2016, a Group Sedreh Pooshi ceremony was held and five of youths joined the Zoroastrian community with the help of the Sedreh Poosh families and support of Northern California Zoroastrian Organization (PZO).

The Sedreh Pooshi Ceremony (wearing the good thoughts garments) of five of our Zoroastrian youths took place at Almaden Community Center in San Jose and many fellows and friends attended.

The Hirbod Arash Kasravi recited the Koshti Prayers and Peymane Deen (Pledge of Allegiance to the Zoroastrian Religion) to initiate the following youths into the Zoroastrian religion. From right to left:

1. Aurad Kamkar, son of Arta Banoo Vakhshoori & Kurosh Kamkar
2. Cyrus Zomorodi, son of Sima Khorshidian & Kambiz Zomorodi
3. Rostam Vakhshoori, son of Katie Zomorodi & Koorosh Vakhshoori
4. Ryan Vakhshoori, son of Katie Zomorodi & Koorosh Vakhshoori
5. Aurya Zomorodi, son of Sima Khorshidian & Kambiz Zomorodi

At the beginning of this ceremony, a few of our young kids-Tiara Faramarzi, Nairika Bolandi, Atra Sahbaie, Roajon Farsinejad, and Kimia Pourdehmobed wearing beautiful traditional shawl

(Makna) - greeted the guests in attendance with the traditional mirror, rose water, and Noghl.

Our youths, Farbod Pourdehmod, Leah Bahramipour, Cameron Sotoodeh, and Mahdis Gheibi were the speakers of this ceremony.

After the main ceremony, each new Sedreh Poosh youth gave a speech about the main reason about accepting this religion and joining the Zoroastrian community.

Mrs. Noushin Isadvastar, the Avesta Class teacher and one of the main organizers for this event, congratulated each of the new Sedreh Poosh youth and their families and thanked them for supporting and signing up for this unique ritual ceremony. In her speech, she encouraged our community members to admit and welcome non-born Zoroastrian fellows who are interested to follow the basis of our religion and attend in our events and ceremonies as our prophet, Zoroaster, never prohibited interested people from following him and joining the community. In addition, she briefly mentioned about the progress of planning for the future Zoroastrian center of Northern California.

Mrs. Delbar Jahanian, the president of the 18th PZO, congratulated the Sedreh Poosh youth. Also, a representative from Zclass teachers presented a gift to our youths.

Mrs. Rebecca Cann was another speaker of this event who emphasized the basics of Zoroastrian religion and quoted a few stories about Zoroastrianism and their believes.

A few dance performances added more beauty to the entire program:

1. ZClass Dance Performance by Tiara Faramarzi, Nairika Bolandi, Nikta Khanbadr, Afrouz Khosraviani, Atra Sahbaie, Niusha and Kimia Pourdehmobed
2. Double Dance Performance by Niusha and Kimia Pourdehmobed
3. Solo Dance Performance by Pardis Gheibi

Once again, the new Sedreh Poosh youth displayed their solidarity with each other and other Zoroastrians and cut a beautiful cake that was designed by Shirin Isadvastar.



There is So Much Good to See



Roya Behmardian

was born and raised in Southern California. She has attended CZC's Persian and religious classes all through her childhood. She graduated from UCI with a Masters of Art in teaching.

why she knew “merci” was because whenever she wanted to thank a stranger, she would ask how to say thank you in their native language. Her boundless gratitude was so incredibly beautiful, and was a glimpse into understanding the wonderful person she was. Since that day, the world “merci” carries much more meaning to my friend.

Thinking about that interaction always warms my heart, and I'm trying to figure out why that is. Why is it that when we hear about, or witness with our own eyes, people showing kindness, or selflessness, or strength, or humility, or any other human virtue, we become elated and enriched with this sense of hope and optimism.

When we hear a story about someone donating tens of thousands of dollars for a little boy to afford a new prosthetic leg, it leaves us in awe. When we watch a crowd give a standing ovation as a team of refugee Olympian athletes fulfill their dreams, we're strikingly touched. And even during the simplest interactions were someone in our lives shows us compassion, no matter how big an act of kindness it is,

we experience a type of love and gratitude that resonates deeply in our souls.

We cry when watching videos of families reuniting, and we smile when someone well deserving wins something they need on a daytime Talk Show. This overwhelming happiness is not the result of our own personal accomplishments, but rather an observance of how beautiful the human spirit can be.

It is extremely cool that we can feel love and joy in this manner, and it is a subtle reminder that all this good exists in this world, if only we take the time to seek out moments to not only witness that goodness, but also take part in. That is perhaps one of the most interesting facets of having a “Good Mind;” the fact that not only can we make good choices when they are presented to us, but we can search for opportunities out in the world to do as much good as we can.

In a world where certain hate, violence, fear, and ignorance can often leave us feeling frustrated and helpless, there is solace in this idea that a vast amount generosity, bravery, righteousness, and love also exists. If we hang on to that goodness, and immerse ourselves in it so much that it empowers us to do even more good, then what will be on our minds will not be the fear of the future, but love for the human condition.

When we live our lives filled with love rather than weighed down by fear, just imagine how much more beauty we'll be able to see in the world; just imagine how much more good we can do as a result of that inspiration.

A friend of mine had just finished eating at The Cheesecake Factory with some of her classmates. Upon saying goodbye, she began walking back home with a full bag of not only her own mashed potato surplus, but also an array of leftover burgers, salads, and pastas generously given to her by those she dined with. She was indeed going home that night with what seemed like a 3 course feast.

Though, a few blocks from her apartment building door, she noticed a woman sitting out in the cold—a woman who looked as though she may be homeless. Without hesitation, my friend handed her the bag of food.

The important part of this story comes now. The woman looked at my friend with the most sincere smile, and graciously accepted the meal in a way that exuded pure, incomparable gratitude. Several tears fell gently from her eyes, and she thanked her so much that my friend started to feel guilty about not giving her leftovers more often.

Moments later, after my friend said good-bye and had started to walk away, the woman yelled from afar, “wait!”

A sudden wave of nervousness flooded my friend's thoughts, as she became worried that perhaps there was something wrong with the food. The woman ran up to her and asked her a question nobody could have seen coming. “Do you speak any other languages?” The woman asked.

“Why yes, I speak Persian.”

The woman then started thinking quietly for a few seconds, and then looked at my friend with a smile as genuine as smiles can get, and softly uttered, “merci.”

My friend's heart fell full.

The woman was not Persian, but she explained the reason

Ask Nahid

Dear Nahid,

Is it important to have religion when science explains so much about who we are as human beings?

Farhad



Nahid Dashtaki completed her master's in both Dispute Resolution and Public Policy from Pepperdine University. She has received two Bachelor of Science degrees in International Relations and Comparative Literature from the University of California, Irvine along with extensive international work experience in the Middle East and Asia. She continues her work with mediation and conflict resolutions at Los Angeles World Airports.

Dear Farhad,

Yes. It is still very important to have religion when science has most of the answers of our existence. I would say that it is even more important to have religion when relying on science. You might get an explanation from science about our bodies being made of atoms, but science won't determine what those atoms are going to do when confronted with a \$100 bill on the floor of the grocery store.

Where science may have explained our creation and evolution into human beings, our constant search for how to use that science is where religion plays a great role. For instance: Eugenics is a science dedicated to the proposed improvement of the human genetic pool. Essentially it is a scientific form of genetic discrimination to create a superior race of humans by disallowing certain people from reproducing as they were seen to hold inferior genes (eye color, height, disabilities, etc.).

This scientific concept has been in our history from the times of the ancient Greeks and throughout many generations it has been attempted again and again in different fashions and for different end goals. This practice has not become a way of life for humans, and that is probably because of our ability to reason out the negative consequences of such a practice.

It is in the basic teachings of being Zoroastrian that we do not have the conflict of science vs religion that many

other mainstream religions do. Zartosht spoke in the Gathas that the purest mind sought truth and ultimate wisdom. Yasna 31 Verse 4: Do not, refuse us Thy gracious aids, O Mazda and Amesha Spentas, so that we may attain pure mind and spiritual strength through purity and truth.¹ The Gathas actively promote progress and an educated human race through the practice of seeking out the ultimate truth in our existence.

Science teaches us about nuclear power. Our religion

allows us to decide between knowing when to use that science as a weapon or as a means of providing energy to large populations. And just as we can make poor decisions and go through personal trials in our lives, science can also be misleading without being properly tested. The balance that needs to exist between our religions and our sciences is essential in progressing our humanity.

Science may have the explanations of what we are and how we do what we do, but the world would be a scary place without our religion to help us determine which sciences to use to the best of our abilities. It is the theoretical journey towards doing Good that allows us to use science in good ways.

There are many different religions and many different sciences, and there is plenty of room in this world for both if you are willing to progress with both equally. Where the application of science becomes questionable, we can rely on our religion to help us make those good choices.

¹ Translations by Mobed Firouz Azargoshasb <http://www.zarathushtra.com/z/gatha/az/The%20Gathas%20-%20FAZ.pdf>

For full article and references please see:
"Kabolizadah P. et al. A Time for Optimism? – The State of Radiation Oncology in Iran. *Int. J. Radiat. Oncol. Biol. Phys.* 2016; 94(2):221-7

A Time for Optimism? – The State of Radiation Oncology in Iran

By: Peyman Kabolizadeh MD/PhD¹, Mehdi Aghili MD, AFSA², Babak Balakhanlou, MBA³

¹Department of Radiation Oncology, William Beaumont Hospital, Royal Oak, MI 48073

²Department of Radiation Oncology, Cancer Institute, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

³School of Continuing and Professional Studies, University of Virginia, Charlottesville, VA 22904

Introduction

The practice of radiation oncology and the treatment of cancer around the world is currently an important topic in medicine. In this edition of "Around the Globe", we usher you to a destination less renowned for its advances in radiation oncology. Iran, once known as Persia, conjures myriad images for world travelers, food enthusiasts, politicians, historians, and scientists: Its picturesque nature; exotic ancient architecture and labyrinthine bazaars; an overwhelmingly young population; and an ancient civilization with notable kings, politicians, poets, mathematicians, and scientists. With a Caspian Sea coastline in the north and a Persian Gulf coastline in the south, Iran is the second largest nation in the Middle East, the 18th largest in the world, and the seventh largest producer of crude oil. Of an estimated 2013 GDP of \$1296 billion USD, health expenditures were, however, 6.7% of GDP, which ranks the country at only 87th in the world.

Cancer and its treatment have a long presence in Iran's history dating back to medieval times and early modern Persia. Today, cancer is the third leading cause of death in a country that has been witness to a recent increase in its incidence. This increase can be attributed to multiple factors including higher life expectancy, elevated stress levels, rising cost of healthcare, and more reliable detection methods thanks in part to technological advances. As you will read, however, recent history may also play a part. Healthcare coverage across the country is predominantly through private and public sector health insurance companies, or funded out of pocket. Given that 18.7% of the population is below the poverty line, the main challenge for healthcare coverage is its cost and an aging population with insufficient monthly disposable income. According to the chief of the National Congress on Comprehensive Cancer Control Program, treatment of cancer continues to a considerable cost burden for the country, with more than \$800 million USD spent on cancer treatment annually.

As a result of the eight-year Iran-Iraq War, a sluggish economy,

and post-1979 economic sanctions, cancer detection and treatment remains a challenge for the country's aging population. In discussing these current challenges we will begin with some historic context and take you on a short journey from ancient medicine through to the modern day, and to contemporary oncology in Iran.

Medicine in Ancient Iran – From the Zoroastrian Era Through the Post-Conquest Era

The land that is today Iran is the home to some of the world's oldest civilizations with a long history of medical research and practice of medicine. Persian academic centers provided a location for the congregation of great scientists from different civilizations. Medicine in Iran dates back to the Zoroastrian era. The Vendidad, one of the surviving texts of the Zend-Avesta, dedicates the majority of its last chapters to medicine. In the Vendidad, three kinds of medicine, by which the Zoroastrian clerics treated illness, were defined: medicine by knife, medicine by herbs, and medicine by divine words. The Achaemenid Empire (550—330 BC), the largest empire of its ancient history, was a catalyst of cultural and scientific advancements. During this period, Babylonian physicians played an unequivocally significant role in spreading the practice of medicine. The burgeoning scientific and medical fields continued to flourish thereafter during the Sassanid period with the establishment of the first teaching hospital, the Academy of Gundishapur. In the centuries to come, this hospital became the model and foundation on which medical schools and hospitals were built. Some reports suggest that the hospital concept itself was rooted in ancient Persia. At the Gundishapur Center, Greek, Indian, and Persian scientific remedies and traditions were practiced. In addition to Persian science, the Indian scientific texts on astronomy, astrology, mathematics and medicine, along with Chinese herbal medicine and religion, were translated into the language at that time.

The advance of Persian medical science was temporarily interrupted by a number of historic events including the Greek (334 BC), the Arab (642 AD), and the Mongolian (1219 AD) conquests, during which considerable numbers of scientific and medicinal books, universities, schools and libraries were destroyed. Persian science thrived, however, and remained vital despite these numerous conquests. Outstanding physicians and scientists such as Rhazes and Avicenna are among the most eminent of this era. Rhazes was a Persian physician, chemist, philosopher, and an influential figure in medicine. He was among the first to use the notion of "humorism" to distinguish one contagious disease from another. Rhazes, who discovered and purified ethanol and pioneered its use in medicine, was regarded as the father of pediatrics and a pioneer of ophthalmology. Avicenna was a Persian polymath and jurist and one of the most influential figures in modern medicine. Of his 450 works, only 240 have survived, including among them 150 on philosophy and

40 on medicine. Avicenna was the first person to describe cancer of the esophagus and the first in ancient Persia to conduct a mastectomy for breast cancer. Avicenna's most famous works include "The Book of Healing", a philosophical and scientific encyclopedia, and "The Canon of Medicine", a medical encyclopedia. The Canon of Medicine became the standard medical textbook to be taught at many medieval universities and remained in use until the 1650s. Within its pages, Avicenna described the growth process of cancer and how it can gradually and progressively take over the human body (13). The works of these individuals continued to be the Rosetta Stone for oncology and medical treatments in the centuries to come.

19th and 20th Century Iran

With the dawn of the 19th century, medical practice and the study of cancer entered a new era in Iranian history. Mirza Taghi Khan Amir Kabir (1807-1852), known for his efforts in support of public vaccination against smallpox, was one of the era's most influential figures. As chief minister to the king, he played a crucial role in educating society. In 1851, he established Dar al-Fonun as a modern higher education center in Iran. For the first time there was an academic environment in which Western scholars were able to practice medical teaching, and their publications were available, including those related to cancer.

Dar al-Fonun was, in the 20th century, renamed as Tehran University. Through the last century, considerable attention was directed to medical research and publication. Tehran University School of Medicine became the leading academic institution in Iran publishing several papers and books on cancer between 1939 and 1958. Dr. Mostafa Habibi founded the Cancer Institute of Iran in 1946 and led the construction of a hospital dedicated to cancer patients. Publications in French and English with a focus on cancer research and statistics, as well as establishment of radiotherapy and oncology academic centers, gained momentum in the 1960s and 1970s.

After the 1979 revolution, Iran's progress in medicine and oncology temporarily slowed, due both to the eight-year war with neighboring Iraq and to the post-revolution economic sanctions. The Iran-Iraq War had not only devastating effects on the citizens and economies of both countries, but also a seriously detrimental impact on the overall state of medicine in Iran. Healthcare resources were urgently directed toward war victims. Many healthcare professionals including physicians, dentists, and nurses were subject to the draft either to serve as soldiers or as military healthcare providers. In addition, it has been estimated that approximately 100,000 Iranians were exposed to Sulfur Mustard (SM), popularly known as mustard gas, during the war years. SM was the most widely used offensive chemical agent during World War I and it saw an encore during the Iran-Iraq War with innumerable Iranian and Iraqi Kurd

civilians and soldiers being exposed to this potent chemical. The United Nations Monitoring Verification and Inspection Commission (UNMOVIC) reported in 2003 on chemical weapons used by Iraqi forces during the war. They estimated that 1,800 tons of SM, 140 tons of Tabun (a neurotoxin), and over 600 tons of Sarin (an organophosphorus compound) were used against Iran. The most devastating of the Iran-Iraq war crimes was chemical attack on Halabja - a genocidal massacre against the Iraqi Kurdish by their own government on March 16, 1988. The Halabja chemical attack left between 3,200 and 5,000 people dead and between 7,000 and 10,000 people injured. Most of the injured refugees were taken to hospitals in Tehran for evaluation and treatment. In the years following the war, healthcare resources had to be shared between Iranian citizens and Iraqi refugees, who had fled their country due to its economic and political instability. While organizations such as the World Health Organization (WHO), UNICEF, United Nations World Food Program (WFP), United Nations Population Fund (UNFPA) and United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR), and Red Cross attempted to help host countries meet health and nutritional needs of Iraqi refugees, Iran's healthcare system and resources were strained.

According to Zafarghandi et al. the exposure to SM led not only to chronic complications such as bronchiolitis obliterans, but also to a rise in cancer incidence with an incidence rate ratio of cancer for those exposed at 1.81. The exact ultimate increase has not yet been determined. The post-war increase in cancer prevalence makes more urgent the efforts to enhance the quality of care for cancer patients in the country.

Medicine, Cancer, and the State of Radiation Oncology in 21st Century Iran

Iran's population is estimated at 79.8 million, with a median age of 29 years and a relatively low average life expectancy of 72/76 (M/F), in comparison to 76/81 years for the American population. According to the 2013 reports, total healthcare expenditure as a percentage of GDP was 6.7% which, although low relative to the United States, is higher than the 4.3% average expenditure in the Middle East & North Africa. The 2012 WHO report lists Gastric cancer as the seventh leading cause of death in Iran. Recent unofficial data from the National Cancer Registry of Iran, record approximately 86,000 new cancer cases annually in the program based on pathological identification.

Reports from the Iranian Society of Clinical Oncology show 91 radiation oncology facilities in Iran, including government, private for-profit, and charitable centers. Of these centers, only 52 are currently functional and able to treat patients. Thirty-four centers are under construction, and six will be in operation by the end of 2015. It was not until the early 2000s that tougher sanctions made it more difficult to import new equipment. As a consequence of sanctions, it has been considerably more difficult to acquire medically approved

cobalt sources. The output of the current cobalt units is less than 100 cGy/min and two thirds of them are out of service. They are thus being used solely for palliative treatments. In addition, only 18 centers have a dedicated CT simulator and only four are equipped with Intraoperative Radiation Therapy (IORT). There are currently 220 radiation oncologists in the country, of which 20% reside in metropolitan Tehran. With five of the 31 Iranian provinces yet to even possess radiotherapy facilities, radiation oncologists outside of the capital are under-resourced and find it increasingly difficult to meet the growing demand for cancer treatment. In these five provinces, cancer patients are first evaluated by local oncologists regarding systemic treatment and, if there is a need for radiotherapy, are subsequently referred to more equipped centers in neighboring, often quite distant, jurisdictions.

Stereotactic therapy is largely absent. There is a single Gamma Knife center in Tehran, with no other SBRT or SRS centers elsewhere in the country. The net results of these shortages are long waiting times for treatment and faster wear and tear of the equipment. The latter causes a recurring need for maintenance and downtime and only amplifies the problem. The majorities of treatments are outdated. These challenges are a testament to the impact of sanctions on radiation therapy in the country.

The Influence of Culture on Medicine

Approximately 55% of cancer patients in Iran are male and 45% female. In recent years, there has been an increase in the number of female applicants to Radiation Oncology and approximately 60% of current clinical residents are female. Oncology training is not constrained by gender, unlike the obstetrics and gynecology residencies, which only accept female applicants. All radiation oncology residents are trained in all subspecialty fields including gynecologic oncology. Local custom and culture certainly affects the physician's bedside manner. How much a physician reveals to a patient about their cancer diagnosis depends upon multiple factors such as the socioeconomic and educational status of the patient, the physician's experience, and also the patient's desire for such communication. Based on patient's preference and physician knowledge, prognosis and even issues regarding death, may be discussed. A recent study

by Valizadeh et al., however, reports that patients were often not informed of their cancer diagnosis and its implications, by their physicians, and received it from other patients, or indirectly through other sources. Information regarding prognosis and treatment was provided by the treating physician only occasionally. These limitations highlight the need for better patient education and for training of healthcare providers in more effective communication.



Sanctions, the Nuclear Program, the "Iran Deal", and Radiation Oncology

The United States and the International Community began a series of sanctions against Iran in 1979, subsequent to the Iranian Revolution and the immediate US embassy hostage crisis. These U.N.-backed sanctions were progressively strengthened through 2015. The sanctions regime not only has resulted in an anemic economy, but also has caused a shortage of medicine and medical equipment as previously described. The impact has been significant, especially in patients with chronic disease and those being treated for cancer. The impact of the increasingly tough sanctions, attributable to Iran's nuclear activities, on cancer patient

treatment has been dire. While medical and radiation oncology equipment have not been specifically sanctioned, the fear of breaking international laws, as well as the difficulty of engaging in business with Iran, explain the current underperforming state of radiation oncology in the country. As the E3/EU+3 (China, France, Germany, the Russian Federation, the United Kingdom and the United States) and Iran welcome the historic Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA) also known as "Iran Deal", which will ensure that Iran's nuclear program will be exclusively peaceful, the outlook for radiation oncology appears more auspicious. Assuming the Iran Deal is successfully implemented, Iran has agreed to convert its Fordow facility into a nuclear, physics, and technology center. The country has further agreed that the Arak reactor will support only peaceful nuclear research and radioisotope production for medical and industrial purposes. In addition, reinstating more normal banking activities, such as the establishment of new correspondent banking relationships with the EU and the integration of a number of Iran's banks into the Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication (SWIFT) network, will facilitate financial transactions between radiation oncology equipment manufacturers, resellers, and Iranian cancer centers. The E3/EU+3 participants have agreed to engage in joint projects with Iran to advanced research and development (R&D) activities such as fusion, establishment of a state-of-the-art regional nuclear medical center, personnel training, nuclear safety and security, and environmental protection. It is anticipated that the deal will allow Iran to acquire a new cyclotron and associated radio-pharmacy equipment for medical radioisotopes production, to acquire radioisotope sources for brachytherapy and radiotherapy instrument calibration, and to benefit from advanced radio-medicine centers and necessary laboratories (Iran Deal – Annex III, Civil Nuclear Cooperation).

The Outlook

Iran has been witness to a fast-changing medical landscape. Despite the enthusiasm of the country's capable physicians and healthcare professionals, it still faces significant deficiencies in the availability of healthcare resources and care delivery. The supply of medicines, chemotherapy, technology, and isotopes, remains poor and is certainly not matching the rising demand. As the population ages and cancer incidence rises, the already compelling need for more radiation oncologists, especially those trained in the delivery of advanced technologies will only increase.

With world leaders signaling, and moving towards, an agreement on Iran's nuclear program, there is finally some room for optimism that the practice of medicine domestically will improve. Cooperation between the international community and Iran is expected to enable Iran to streamline its roadmap for the enhancement of radiation oncology services in a Western model. This will include the acquisition

of new technologies and the training of staff in a modern Western curriculum. In addition, there is also the potential for participation in international multicenter clinical research trials. All of this will allow Iran to contribute more within the global medical community and will help Iran to present a new face to the Middle East and the world. The outlook seems promising.



Peyman Kabolizadeh is a Radiation Oncologist, an assistant professor and the director of Proton fellowship program at William Beaumont School of Medicine. At age of 16, he migrated to the United States. After completing his undergraduate degree in chemistry, he was accepted into the combined MD/PhD program at Medical College of Virginia with full scholarship. He was then recruited to the radiation oncology residency program at University of Pittsburgh Medical Center where he gained extensive experience in advanced techniques. He then completed fellowship training in Proton Therapy at Harvard Medical School/Massachusetts General Hospital. Over his career, he has authored numerous articles, and abstracts. Moreover, he has received multiple awards and grants during his training. Dr. Kabolizadeh's philosophy is to provide excellent multidisciplinary care while working with his patients to establish a comprehensive treatment plan.

Editor's Note: Chehre Nama will be featuring a column to honor contemporary Zoroastrians who are exemplifying the message of Zarathushtra through their deeds and who have initiated notable and sustained acts of reaching out and helping humanity at large during these turbulent times. These individuals have been able to rise above self-interest and reach out to those who are vulnerable and need a helping hand. We congratulate Mr. Khushroo Poacha for being a Zoroastrian Soshiant and a role model for us all. May Ahura Mazda protect and empower him and his family to do even more good for the world.

Serving Humanity from a Pint to a Meal

By: Fariba Pirghaibi



Khushroo Poacha may seem like an ordinary fellow to an outsider. He lives in the small town of Nagpur, India and works for the railroad department. He is married and has a three year old daughter. However he has led a life far from the ordinary; he has truly exemplified the message of Zarathushtra

in Ashem Vohu. "Happiness belongs to the person who does a righteous act for the sake of righteousness alone (no expectation of reward)". This remarkable man has a heart of gold and limitless vision for helping mankind. When most of us fill our Facebook page with personal achievements and fun family vacations and selfies his is filled with photos of heroes, role models and inspiring stories of those who help others. He, with the support of his wife of 22 years, has put humanity above his personal needs and self-interest.

In the year 1994 Khushroo saw a patient lose his life due to lack of blood. The idea came to him that he could connect people who are ill and in need of blood transfusions with donors who would be willing to donate a pint of blood. Indianblooddonors.com was born in the year 2000. This website is still operational and saving lives sixteen years later by connecting local donors to the families in need. This is a social enterprise which is completely volunteer driven. The Hosting is free, the helpline is free and volunteers continue to update and develop the website and the mobile Apps.

The above accomplishment is an old story and he has received much recognition and kudos for it. You would think this would be enough to say I have done my good deed for a life time but not to Khushroo.

In 2014 (at a time when his mother was admitted to the hospital) Khushroo was sipping tea at a roadside stall when he spotted an old lady cooking rotis and serving it to her family. She had placed bricks on the ground and put a pan on it, fire was lit with small twigs collected from the area "They were only eating plain rotis (bread) he said. He started noticing that this was a routine every day. Families would cook whatever they could, and eat a very meager meal."

"I shared my despair with my mother," he said. She had an instant answer. "Why don't you start feeding them? People will help you; they will give you money to do so," she told Khushroo. And that's how the idea of new-age food philanthropy was born as Seva Kitchen. He discussed about the plight of these families with one of his friends Amit Badiyani, a chief executive of a private company. Keen to help, Badiyani started buying food from a restaurant for 25 people and started distributing it every Sunday evening.



Badiyani would arrive with food for 25 and about 100-odd people would come running for it. There was not enough for all. "I realized that if we cooked the food at home, we could provide food to more people with the same amount of money. So, along with Badiyani and my wife Fermin and sister-in-law Mehernaz and brother Faroukh, we decided to cook the food at home and serve it at the hospital on Sundays," says Khushroo. That Sunday, Khushroo and family made food for 50 families.

Moved by the impact of this service he launched SevaKitchen.org to channelize the power of the internet to connect the needy people with good Samaritans who are willing to serve them. Thus Seva Kitchen was born.

The idea of calling it Seva Kitchen came with some deliberation. The name, quite literally, draws on the

traditional value of selfless giving - a desire to serve or doing Seva. Towards this guiding principle is the belief that every kitchen, in every town, village or city is a Seva Kitchen. It is the provider of succor, to those who are hungry, because every meal counts.



Today, the Seva Kitchen initiative is present in seven cities: Nagpur, Hyderabad, Bangalore, Moradabad, Mumbai, Ahmadabad, and New Delhi. Over 1000 free meals are served every Sunday to families at hospitals. Every Sunday food is cooked at his kitchen for 200 people. On other days he communicates with other teams in different cities through Whatsapp. When asked what it means to him when he feeds people and what motivates him to keep doing these community projects he responded: "I feel happy that I am able to help someone in need". The story of www.sevakitchen.org has gone viral and he hopes that it will one day take on a global application. He invites all our readers to check seva kitchen Facebook page and to be inspired to start their own Seva kitchen in their



community. Khushroo lives his life in a living prayer as Zarathushtra wanted us to and renews this existence by reaching out and making a difference in the lives around him. He uses his wisdom and follows the path of Asha (righteousness). He has personified Ashem Vohu and used his Spenta Meinoyo (progressive thinking) to make the world a better place and this in return brings him "ushta" radiant happiness.



Sarah Kasravi

was born and raised in Orange County. She is currently a fourth year Psychology and communications student at UCLA.

CZCamp-San Diego Summer 2016

Sarah Kasravi



Still remember sitting amongst my teammates and watching my friends on stage performing their act and singing "Firdaus, Firdaus open up the door." And the time that my beloved pink team and I marched through the campground chanting

"Pink will, pink will rock you" Or that one camp were Khaleh Mahnaz would yell "Seeyoushans" and all of us campers would reply "manam." And I really don't think I will ever forget Firdaus' infamous watermelon eating contest every single year, and every time our competitive spirit would kick in and Aryana and I would singlehandedly eat more than half the watermelon. As you can probably tell I could go on for days, but these are only a handful of the countless memories I carry with me from the nine "Firdaus" camps and the over ten years of Z camps that I was lucky enough to be a part of. These camps were not only a place that fostered these lifelong memories, but more importantly these are the memories that I share with some of my best friends and I know these experiences will forever keep us bonded. Camp has and always will hold a very special place in my heart, which is why when I was asked to be a camp counselor for CZCamp this year I immediately jumped on the opportunity. So on the weekend of June 22, six former campers turned counselors, four dedicated leaders, two wonderful chefs, and about fifty eager campers all set out to start a new era of Zoroastrian youth camps, CZCamp. San Diego set the scene for what would be a weekend filled with



many epic games of capture the flag, a fun Zoroastrian version of the Amazing Race, taking bites into Firdaus' fiery jalapeños in return for popsicles, and hanging out with friends - both old and new. CZCamp in particular was organized with two goals in mind to be fun, of course, but also to teach our Zoroastrian youth about the seven Amesha Spantas and the significant role that each plays in our lives as Zoroastrians. Each team was named after one of these Amesha Spantas, and a handful of our activities from talent show to group discussions were catered to expose our campers to the meaning of each. Although, all of us may not be able to pronounce the names of a good majority



of these Amesha Spantas, I can confidently reassure you that throughout the weekend our youth learned a little something about each of them and grasped the overall significance of them. We learned, we laughed, we played and we created memories that will surely

stay with us for a while. A huge shout out to the Teen Class of California Zoroastrian Center who under the guidance of their determined and relentless teacher Khaleh Mandana set the foundation for our CZCamp. Special thanks to Mrs. Parichehr



and Mr. Farshid Namiranian who worked tirelessly to keep



all of us fed with the many delicious meals they prepared (think homemade Soup Jo...so good). To my fellow counselors thank you for bringing the enthusiasm and energy all weekend long to ensure that we could create a memorable weekend for the

campers. And of course to our beautiful campers themselves, for bringing to life such a great weekend. We can't wait to watch each and every one of them come through CZCamp year after year, create memories and friendships that will surely stay with them forever, and proudly watch as this generation of campers turn into the counselors for our future generation of Zoroastrian youth.

Z-Olympics Summer 2016

By: Diba Zomorodi and Shirin Soroush

We had the opportunity of attending and participating in the 2016 Z Games in Chicago. The Olympics is always a



special time for everyone: seeing old friends, meeting new ones, and most of all, expressing our competitive sides. With great thanks to the Chicago Sports Committee, we had an amazing time and it didn't hurt that it was at Elmhurst's beautiful college campus. The top of the line facilities with perfectly manicured lawns was just one part of what the windy city had to offer.

The first day of the Z Games was kicked off with an ice cream party and DJ on their vast lawn, the size of a football field! As everyone was getting registered and receiving their complimentary T-Shirts and backpacks, the air was filled with such positive vibes of teens getting acquainted from



different areas of the world and children running around in circles to the tunes. As soon as we knew it, it was the first day of sporting events which was kicked off by volleyball and basketball. As a spectator, you had your pick of choosing to watch basketball or volleyball as they were in different gyms with about a ten min walk in between. Aside from

the location the games were very intense. We had a new addition to the games this year, golf. The golf tournament took place the day before the registration even started, in order to reserve a whole course. I think I'd like to see a sport that everyone can be involved in, in the next games.

Now, for good reason, our favorite part of the games, it was track day. It started at noon with the sun beaming on the track and butterflies in my stomach because I hadn't run since the 2014 Games. Competing against 14 other women ranging from ages 16 to 60, the nerves were clearly evident



in everyone competing; yet it was still a light-hearted and fun day on the track. With the firing of the starting pistol, we were off. I could hear the crowd cheering and knowing that everyone in the stand and on the track is somehow connected through culture was liberating. Not many people can say they have a close community to share these moments with and have so much history behind them. I was fortunate enough to be on a great team of runners for the 400m relay race: Farnaz Amuyan, Shida Namiranian, and Nikta Mehrkhodavandi. Ironically, we were all from Los Angeles and we had so much fun bringing home the gold. The closing social event was the Red Carpet Banquet, where our fellow Zoroastrians came together dressed in their best to enjoy a night of dancing and food with one another. As the dancing slowed down we sat to eat a traditional Indian meal. All in all, the night served as an opportunity to dance the night away before the closing ceremony the next day. The following morning the two volleyball teams, Toronto and Simorgh, played for 1st and 2nd place. After their match, LA and Z-United competed in the final basketball game which was a much anticipated and exciting match up. All the teams played competitively for four days, which gave all spectators and participants' memorable experiences. We are all excited to find out what the 2018 Z Games has in store of us.

Shirin Soroush is a 26 year old practicing school psychologist for Yorba Linda Unified. She enjoys reading and hiking with friends.

Diba Zomorodi will be starting a master's program in Biotechnology this fall and hopes to pursue a career in precision medicine. Diba likes to dance and explore in her free time.



CYRUS SOLAR
LICENSE # 1008867

انرژی پاک، زمین پاک، بهترین هدیه به فرزندانمان



همه ما در برابر آینده زمین و محیط زیست مسؤولیم. بیایید تا با تصمیم‌گیری درست نقش خود را در ساختن زمینی پاک ایفا کنیم و همزمان قبض برق خود را تا 100 درصد کاهش دهید.

ما در CYRUS SOLAR با بیش از 25 سال سابقه مهندسی و اجرا در ساختن زمینی پاک با شما همراه میشویم.

- تضمین بهترین کیفیت و مناسب ترین قیمت
- انجام کلیه امور پروژه از ابتدا تا انتها با مجربترین پرسنل و در کمترین زمان ممکن
- تا 30 درصد تخفیف ویژه برای هم‌میهنان گرامی
- بازگشت 30 درصد از مبلغ سرمایه گذاری شما به صورت معافیت مالیاتی
- آخرین شانس برای گرفتن مزایا از اداره برق محل زندگیتان
- امکان گرفتن وام برای نصب پنل‌های خورشیدی بدون پیش پرداخت
- بازگشت سرمایه شما بعد از 3 سال و سود خالص برای حداقل 25 سال

با انتخاب انرژی پاک حال و آینده خود و محیط زیست را می‌سازیم و فرزندانمان بابت این انتخاب از ما ممنون خواهند بود.

Address: P.O. Box 722441
San Diego CA 92172

WWW.CYRUS-SOLAR.COM
Tel: (888)CYRUS-08

